

هو



دانشکده پردیس باغ ملی  
گروه کارشناسی ارشد هنرهای سنتی

# روش و پیش‌زمینه

به انضمام

گزیده کتابشناسی روش تحقیق در علوم انسانی و اجتماعی

گردآوری و تألیف:

ایرج داداشی

عضو هیأت علمی دانشگاه هنر

۱۳۸۷/۱۳۸۸

بسم الله الرحمن الرحيم

## روش پژوهش در هنر

علم و معرفت علمی چیست؟ هنر چه نسبتی با معرفت علمی دارد؟ معرفت علمی به چند روش حاصل می‌شود؟ آیا می‌توان یکی از چندین روش معرفت علمی را یگانه روش معرفت علمی نامید؟ حقیقتاً برای پژوهش در حوزه هنر چه باید کرد؟ با وجود آن که هنر را مقوله‌ای پیچیده‌تر از سایر معلومات و دستاوردهای انسان می‌دانیم، آیا می‌توانیم با همین روشها و فنون شناخته شده در حوزه علوم انسانی، اجتماعی و یا تجربی در آن به پژوهش پردازیم؟ آیا این روشی که به نام «روش علمی» در پژوهش این گونه مقوله‌ها به کار گرفته می‌شود می‌تواند معرفتی از ژرفای وجود انسان هنرمند و یا معنی حقیقی اثر هنری را، همان‌گونه که مورد نظر هنرمند بوده است، برای یک هنرپژوه ایجاد کند؟ در بستر فرهنگ کهن و معنوی ایران و یا سایر تمدنهای مشابه چه باید کرد؟! در بررسی هنرها امروز دو نگرش به طور عمده حضور دارند. یکی قائل به پیشرفت و تکامل است و دیگری معنا و مقصود کل اثر هنری را در ظواهر زیباشناختی و روابط بین اجزای اثر و واکنش عاطفی و روانی بشر بدان، در مد نظر قرار می‌دهد. نگرش اول هنر اعصار گذشته را در شناخت طبیعت و به کارگیری اصول کالبد شناختی و ایجاد شباهت طبیعی بدوی، خام، و جاهل می‌داند. نگرش نخستین هم از زاویه دید سنتی باطل است و هم از زاویه نگرش زیباشناختی معاصر. از نظر هنروران سنتی، صاحبان نگرش اول «توانایی اندیشیدن درباره چیزی شریفتر از جسم را ندارند» و از نظر بررسی و نقد هنر امروز نیز «شباهت با طبیعت و واقعیت» مردود است. اما این نکته مهم را باید در مد نظر قرار دهیم که با نگرش متأخر نگرستن به هنر ادوار گذشته به معنی نسبت دادن نگرش امروزی به مردمانی است که این نگرش را نداشتند؛ زیرا این نگرش نوین و به صورت بنیادین از نگرشهای سنتی متمایز است. در جوامع سنتی هنر با معرفت ملازمت دارد و هنر بدون علم هیچ است.<sup>۱</sup> برای درک هنر در همه ادوار گذشته، باید روح آنچه را که به حق حکمت خالده و سنت ازلی نام گرفته است، بازشناسیم

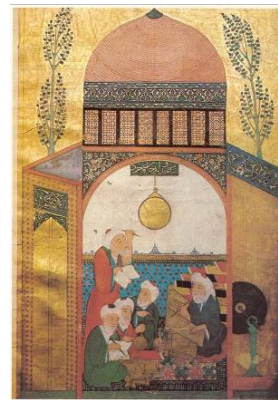
<sup>۱</sup> آناندا کوماراسوامی، هنر بدون علم هیچ است، ترجمه نادیه ایمانی، در: خیال، فصلنامه فرهنگستان هنر، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۱، صص ۱۲ تا ۱۷؛ همچنین نک به: مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، توس، ۱۳۸۰، ص ۳۳، پرسش ۱۰، بند ۱ تا ۵، «پرسید دانا از مینوی خرد که خرد بهتر است یا هنر یا نیکی؟ مینوی خرد پاسخ داد که خردی که با آن نیکی نیست آن را خرد نباید شمرد و هنری که خرد با آن نیست، آن را هنر نباید شمرد.»

حکمتی که آگوستین قدیس درباره آن چنین گفته است: «حکمتی که هیچ کس آن را وضع نکرده، بلکه همواره وجود داشته است؛ چنان که اکنون وجود دارد و خواهد داشت».<sup>۲</sup>

روش موسوم به «روش علمی» که دیر زمانی از توجه بدان نمی‌گذرد، فقط معطوف به جهان عینی و محسوس است؛ و در بستری از یک تبدل فرهنگی و اجتماعی اهمیت یافته است، که مخالف نگرش سنتی به هستی است و انسان و جهان را محدود به دو عالم ذهن و عین تفسیر می‌کند. در این نگرش (که برخلاف نامش اصلاً جدید نیست) اصل، جهان مادی و محسوس است؛ و ذهن چیزی نیست جز انعکاس جهان بیرونی. حد معرفت تطابق بین عین و ذهن است؛ و بالاترین قوای معرفتی انسان، عقل حسابگری است که به انتزاع، تجرید، ترکیب، تجزیه و تحلیل، طبقه‌بندی و دسته‌بندی و... می‌پردازد.

در جوامع شرقی یا هر جامعه معنوی‌ای که به وجود امر مطلق - که سرچشمه هستی و معرفت است - در برابر وجود نسبی - که مخلوق، متعین، و محدود است - اعتقاد دارند؛ وجود مطلق، وجودی حقیقی و انضمامی است و همه موجودات، که از او شرف صدور یافته‌اند، اموری انتزاعی‌اند؛ و خود هیچ‌گونه استقلال وجودی ندارند و وجودشان قائم به اوست.

در تعالیم دینی این جوامع همواره به کسانی اشاره شده است که نمی‌توانند تعالیم مذکور را به درستی ادراک کنند. لذا این افراد از پیشوایان دینی خواسته‌اند که وجود مطلق را که همواره غیر قابل شناخت و منزله از پندار و گمان است، در برابر ایشان حاضر کنند و همچون سایر موجودات متعین نشان دهند. نزد ایشان وجود مطلق امری موهوم است - مخلوق ذهن بشر و از نوع کلیات انتزاعی ذهنی - که ذهن از موجودات عالم که وجودی انضمامی و واقعی دارند، ساخته است. امور معنوی در این روش چیزی جز اموری ذهنی



نیستند که می‌توان آنها را همانند سایر امور ذهنی دیگر تجزیه و تحلیل کرد و مورد بررسی قرار داد. آیا در این نوع بررسیها حتماً باید در زندان ثنویت دکارتی اسیر شد؟ به این بهانه که «تجدد دیگر نمی‌تواند و نمی‌خواهد برای جهت‌یابی و حرکت خود معیارهایی را به عاریت بگیرد که بر اساس الگوهای عصر دیگری مهیا شده است. تجدّد مجبور است هنجارها و اصول خود را از درون خود بیافریند!»<sup>۳</sup> با توجه نسبیت‌گرایی حاکم بر این روش، هر کسی می‌تواند از ظنّ خود یار آنها شود؛ لیکن معلوم نیست آن کس که

<sup>۲</sup> برای مطالعه بیشتر ر. ک. به: آناندا کی. کوماراسوامی، ماهیت هنر قرون وسطی، ترجمه علاءالدین طباطبایی، در: رواق (فصلنامه تحقیقاتی در زمینه هنر و معماری)، شماره دوم، زمستان ۷۷ و بهار ۷۸، صص ۱۵ تا ۱۹.

<sup>۳</sup> مهرزاد بروجردی، روشنفکران ایرانی و غرب، ترجمه جمشید شیرازی، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۸، ص ۲۰۰.

به نقل از:

Habermas, Jürgen, *the Philosophical Discourse of Modernity*, Translated by Frederick Lawrence, Cambridge, MIT Press, 1987, P7.

به معرفت ظنی اکتفاء نمی‌کند به چه چیزی معرفت می‌یابد. گویی این سرنوشت محتوم کسی است که با نفی هر امری فراتر از دسترسی حواس و با اسارت در ظنّیات و تجزیه و تحلیل و انتزاع و سایر احکام استدلالی اعم از استقراء و قیاس به تفسیر انسان و هستی می‌پردازد. اگر نیم نگاهی به «جهانبینی علمی» — که برخی آن را با جزمیت تمام تنها راه وصول به حقایق امور می‌پندارند — ببندازیم، به زودی متوجه خواهیم شد که جزمی شدن در این روش و یگانه‌انگاری آن، چیزی جز ساده لوحی نیست. چرا که نسبت‌گرایی و تحدید مراتب وجود به وجود محسوس، کمی و قابل اندازه‌گیری، این روش را در چنان محدودیتی قرار می‌دهد که هنر و سایر مقولات مشابه از جمله دین در تنگنای آن نخواهند گنجید. حتی نزد منادیان این روش مطلق‌انگاری و ایقان به دستاوردی که از طریق تجربه حسی و مشاهده شواهد مادی به دست آمده است، نگرشی غیر علمی است. توجه به مسئله مهم استقراء که سالهاست اندیشه فیلسوفان علم را به خود مشغول داشته است، خود بهترین گواه این مدعا است.

حتی اگر نخواهیم به مباحث فلسفی برای اثبات این مدعا بپردازیم، ذکر این نکته لازم است که در فرهنگ کهن و ریشه‌دار ما هنر به معنای فضیلت و آراسته شدن به فضائل معنوی است<sup>۴</sup> و در وصول به آن همواره از معرفت به مراتبی از وجود سخن گفته شده است، که آن مراتب، لزوماً با روش علمی منوط و متکی به تجربه حسی، قابل دریافت و ادراک یا دسترسی نیست.

اساس علم در همه فرهنگهای شرقی و نیز در فرهنگ اسلامی «علم قدسی» است. «معرفت به جوهر کلی، جوهر معرفت است».<sup>۵</sup> جوهر یا مبدأ کلی همان حقیقة الحقایق یا حضرت حق است، ذاتی که نامتناهی، یگانه و بی‌همتا، ازلی و ابدی، لایتغیر و مطلق است و در قیاس با آن هر چیزی نسبی، متناهی، متکثر، عرضی و متغیر است؛ «علم قدسی ثمره تفکر و یا استدلال قوه عاقله بشر در مورد محتوای یک الهام و یا یک تجربه روحانی که خود ماهیتی عقلی ندارد نیست، بلکه چیزی که از طریق الهام دریافت می‌شود، خودش ماهیتی عقلی دارد؛ یعنی همان معرفت قدسی است».<sup>۶</sup> منبع توأمان این معرفت، وحی و شهود عقلی است که

<sup>۴</sup> حتی کلمه ART نیز در زبان انگلیسی دارای همین معنا است. برای نمونه در لغت‌نامه‌های ریشه‌شناختی ذیل واژه‌های Art و Skill را بنگرید. همچنین بنگرید به: ایرج داداشی، معنای سنتی هنر، در: مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی هنر سنت و سنت‌گرایان، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵، (در دست انتشار).

Walter W. Skeat, *The Concise Dictionary of English Etymology*, Wordsworth Editions Ltd, Hertfordshire, London, 1993.

<sup>۵</sup> سیدحسین نصر، معرفت و معنویت، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، دفتر نشر و پژوهش سهروردی، ۱۳۸۱، صص ۲۷۱ تا ۳۰۹؛ همچنین ر.ک. به سید حسین نصر، نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میاننداری، ویراسته احمد رضا جلیلی، قم، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۹؛ و نیز رُنه گنون، *بحران دنیای متجدد*، ترجمه سید ضیاءالدین دهشیری، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲.

<sup>۶</sup> سیدحسین نصر، معرفت و معنویت، ص ۲۷۲.

مستلزم روشنی دل و ذهن آدمی و نیز حکمت ذوقی است، که به عنوان علم حضوری نیز نامیده شده است. در میان مسلمانان علم به دو گروه اصلی علم حضوری و علم حصولی تقسیم می‌شده است، که این نوع اخیر خود به دو گروه عمده علوم نقلی که شامل علم قرآن، حدیث، فقه، و علم اللغة بوده است و علوم عقلی شامل علم‌الالهیه و مابعدالطبیعه یعنی دانش حقیقت مطلق؛ جهان‌شناسی یا معرفت به عالم، مبادی و غایات آن؛ روانشناسی یا معرفه النفس و آغاز و انجام آن و علم الاخلاق یا شناختن فضائل انسانی که مودی به استكمال نفس می‌شود، تقسیم می‌شد.<sup>۷</sup>

رُنه گِنون (عبدالواحد یحیی، ۱۸۸۶-۱۹۵۱) حکیم و عارف معاصر در نقد صریح و دقیق خود بر علوم و تمدن جدید، رنسانس را عبارت از اخذ ظاهری‌ترین وجوه تمدن یونانی و لاتینی می‌دانست، که نتیجه‌اش ایجاد علم و فلسفه غیر معنوی بود.

یعنی نفی معنویت راستین و تحدید معرفت به پست‌ترین امور یعنی بررسی تجربی و تحلیلی واقعیاتی که به هیچ اصل و مبنایی وابسته نیستند، و پراکندگی در میان انبوه نامشخص و جزئیات بی معنی و مفهوم، انباشتن فرضیات بی اساس، که پیوسته، بنیاد یکدیگر را ویران می‌سازند، و نظریات جزئی و پراکنده که نمی‌تواند کسی را به جایی راهبر باشد، به جز به موارد عملی خود، که موجد تنها تفوق واقعی تمدن جدید است.<sup>۸</sup>

او همچنین با نقد افراط بی‌معنی پراگماتیستها، سنن شرقی را در تقدم حال و اندیشه بر عمل می‌ستاید، و برای اثبات آن می‌گوید که عمل تماماً به جهان تغییرات و صیوروت متعلق است و معرفت این امکان را فراهم می‌کند که از جهان و محدودیتهای جبلی و فطری آن فراتر رویم، و به معرفت امر لایتغیر و مطلق و لایتناهی دست بیابیم که احسن و اکمل معارف است و خود نیز بذاته ثبات و استواری دارد.

\* \* \*

بی‌شک هدف این جزوه مختصر این نیست که وارد مباحث فلسفه علم یا نگرش حکمی به حقیقت علم بشود. این بازار به حد کفایت توسط اهل این نوع مباحث در کشور گرم شده است؛ خاصه آن که صورت ایدئولوژیک هم یافته است و خوشایند کسانی است که از به هیجان آمدن در مباحث علمی! لذت می‌برند. آنچه در این مقدمه آمده است صرفاً نظر نگارنده است و قرار هم نیست نظریات وی پیامبرگونه برای گمراهان وادی علم تبلیغ شود یا آنان را به راه درست بیاورد؛ چرا که خود وی هنوز نیازمند هدایت است، و

<sup>7</sup> William C. Chittick, *Traditional Islamic Thought and the Challenge of Scientism, Dāneshnāmeh* (The Bilingual Quarterly of the Shahid Beheshti University), Vol. 1, No. 1, winter 2003, PP. 31-56.

- مقاله مذکور در نخستین شماره فصلنامه وزین *دانشنامه* دانشگاه شهید بهشتی به زبان انگلیسی درج شده است؛ و اخیراً با عنوان «تفکر سنتی اسلامی و مناقشه علم گرایی» توسط راقم این سطور خلاصه و ترجمه شده است. همچنین ر. ک. به:

سیدحسین نصر، *علم در اسلام*، ترجمه احمد آرام، تهران، سروش، ۱۳۶۶.

<sup>۸</sup> رنه گِنون، *بحران دنیای متجدد*، صص ۱۶ و ۱۷.

دست نیاز به سوی آن دانای راز گشوده است، تا آن گاه که عنایت الهی شامل گردد و نور هدایتش دستگیر. آنچه در پایان این مقدمه ذکر می‌شود توجه عمیق به تذکر این آیات شریفه است که همواره ما را به خود می‌خواند و به اندیشه‌ای عمیق وامی‌دارد: «وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا \* فَأَعْرِضْ عَنْ مَن تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا \* ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ إِهْتَدَى»<sup>۹</sup> و مر ایشان را نیست به آن دانشی مگر آن که از گمان پیروی کنند و گمان چیزی را از حق بی‌نیاز نسازد، پس روی برتاب از کسی که از ما روی گردانده است و جز زندگانی در گیتی را نمی‌خواهد، این است بلندای ایشان در علم، همانا پروردگارت آگاهترین است بدان کس که از راهش گم گشت و او آگاه‌ترین است بدان کس که ره یافت. والله اعلم.

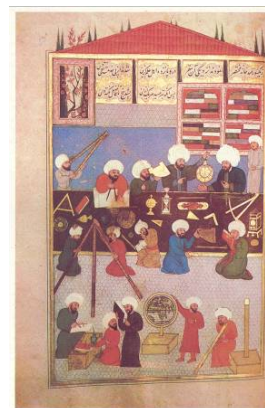
### علم چیست؟

طبق تعریف حکمای مسلمان، علم عبارت است از حضور صورتهای اشیاء در پیش ذهن دانا و شناسنده؛ و رابطه علم با معلوم به سان رابطه هستی اشیاء است با آن ماهیت و چیستی که هستی را پذیرفته است. همان‌گونه که هستی با چیزی که هستی را پذیرفته در ذات یگانه و متحد است و مغایرت میان آنها تنها ذهنی و تحلیلی است، به همان گونه شناخت و چیزی که به وسیله شناخت شناسایی می‌شود، ذاتاً متحد و یگانه‌اند و مغایرت و دوگونگی میان آنها تنها با تحلیل ذهنی مشخص می‌گردد.<sup>۱۰</sup>

### اقسام علم

علم به دو نوع کلی تقسیم می‌شود. الف) علم حضوری ب) علم حصولی  
الف) علم حضوری، در این نوع علم هستی شناخت با هستی عینی شیء شناخته شده (هستی علم، عالم و معلوم) یکسان و یگانه است. لذا در این نوع علم صدق و کذب و شک و تردید یا گوناگونی تصورات و تصدیقات امکان پذیر نیست. علم حضوری خود به سه گونه است:

۱) علم ذات مجرد به ذات خود، که بر اساس وحدت و اتحادی که میان ذات علم و ذات معلوم است این گونه علم حضوری تحقق می‌یابد. (برای مثال



<sup>۹</sup> سورة نجم، آیات ۲۹ تا ۳۱.

<sup>۱۰</sup> مهدی حائری یزدی، آگاهی و گوهری، ترجمه و شرح انتقادی رساله تصور و تصدیق صدرالمألهین شیرازی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰، صص ۲ تا ۶. و نیز ر. ک. به: توشیهیکو ایزوتسو، ساختمان اساسی تفکر فلسفی در اسلام، ترجمه غلامرضا اعوانی، از مجموعه مقالات مندرج در این کتاب: غلامرضا اعوانی، حکمت هنر معنوی، (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات گروس، ۱۳۷۵، ص ۱۱۳ تا ۱۵۲.

می‌توان به آگاهی انسان به ذات خود، یا آگاهی هر ذات مجردی نسبت به ذات خود اشاره کرد).  
 (۲) علم ذات مجرد به صفات و افعال و پدیده‌های درونی خود، که بر مبنای قیومیت ذات مجرد به صفات و افعال خود به وقوع می‌پیوندد. این رابطه را می‌توان به رابطه بر اساس اضافه اشراقیه تفسیر کرد. (برای مثال می‌توان به علم ذات هر انسان به صفات و افعال خود اشاره کرد).

(۳) تعلق فناپی، نوعی علم حضوری است که برای معلول معلوم از آنجا که تعلق محض نسبت به علت مجرد خویش دارد با فنا در مفنی<sup>۱۱</sup> فیه<sup>۱۲</sup> تحقق می‌یابد. (همان‌گونه که در عرفان طرح می‌شود، با سیر و سلوک و فنا سالک در ذات متعال آفریدگار خود، و نیز وصول به مقام فنا الفناء، علم حضوری برای او محقق می‌شود).

(ب) علم حصولی، در این نوع علم هستی شناخت با هستی عینی شیء شناخته شده (هستی علم، عالم و معلوم) یکسان و یگانه نیست. و هستی شناخت و هستی شیء شناخته شده دو واحد متفاوت از هستی مطلق و دو گونه از هستی‌اند که یگانگی وجودی ندارند. یکی دارای هستی عینی است و دیگری دارای هستی علمی. لذا مطابقت صورت علمی با حقیقت عینی یکی از مشخصات حتمی و غیر قابل تفکیک از آن است، تا آنجا که اگر این مطابقت برقرار نگردد، صورت ذهنی امری موهوم بیش نخواهد بود.

مشکل عمده فلسفه علم نیز در اینجا است که چگونه انسان می‌تواند این مطابقت را به صورت ضرورت و قاطعیت به دست بیاورد؟ روشی که به عنوان روش علمی موسوم است در این حوزه به تلاش می‌پردازد؛ و از طریق تجربه مکرر و کسب نتایج به طریق منطق استقرایی و قیاسی و یا تمثیلی به حل این مشکل مشغول می‌شود. هر چند در این میان اختلافات زیادی بین اصحاب استقراء و اصحاب قیاس وجود دارد؛ لیکن اساساً روش علمی روشی منطقی است و روش منطقی نیز به دو روش منطق استقرایی و منطق قیاسی تقسیم می‌شود.

علمای علم منطق، تفاوت بین استدلال استقرایی (رسیدن از جزء به کل یا به عبارتی از واقعیت به نظریه) و استدلال قیاسی (رسیدن از کل به جزء یا پیش بینی موارد جزئی بر اساس نظریه) را به این گونه مشخص می‌کنند که در استقراء، شخص از داده‌های مشاهده شروع می‌کند، سپس آنچه را که مشاهده کرده است به کل تعمیم می‌دهد و این تعمیم روابط بین پدیده‌های مشاهده شده را تبیین می‌کند. در صورتی که در استدلال قیاسی، شخص از یک قانون عمومی و کلی شروع می‌کند و سپس آن را برای پیش‌بینی موارد جزئی مورد استفاده قرار می‌دهد. نخستین حرکت در جهت استدلال از طریق منطق قیاسی را به ارسطو و یونانیها نسبت داده‌اند.<sup>۱۲</sup>

<sup>۱۱</sup> آنچه در آن فنا می‌شود

<sup>۱۲</sup> علی دلاور، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۰، ص ۳۴.

در روش استقرایی مکتب فلسفی پوزیتیویسم، شهرت دارد؛ و معتقد است که شناختی اعتبار دارد که به وسیله یکی از حواس قابل درک باشد. از این حیث تجربه، آزمایش و مشاهده در این روش اصالت دارد. قوت یافتن روش استقرایی از قرن شانزدهم میلادی و با نظریات فلسفی فرانسیس بیکن آغاز می‌شود. بعدها این روش توسط افرادی مانند توماس هابز، جان لاک، جرج برکلی، دیوید هیوم، جان استوارت میل، ارنست ماخ و برتراند راسل دنبال شد؛<sup>۱۳</sup> که به پوزیتیویست‌ها و تجربه‌گراها شهرت دارند. با انتقادات زیادی که بر این مکتب وارد شد، انشعابی تحت عنوان حلقه وین در این نحله ایجاد شد، که در آن راسل، ماخ و ویتگنشتاین حضور داشتند. که در مرحله بعد با به کارگیری منطق نوین عنوان تحلیلی را به مکتب خود افزودند. به سبب ارتباط این مکتب با انجمن فلسفه تجربی برلن و مکتب پراگماتیستهای امریکایی همانند ویلیام جیمز و جان دیویی مکتب نئوپوزیتیویسم پدیدار شد. که آن نیز از حملات منتقدین جدی خود در امان نمانده است.<sup>۱۴</sup>

یکی از مسائل مهم در روش استقرایی به «مسئله استقراء» شهرت دارد

... استنتاجهای استقرایی با مقدمه‌ای جزئی درباره تعداد محدودی از مشاهدات گذشته آغاز می‌شوند، اما به نتیجه‌ای کلی درباره این که طبیعت همواره چگونه عمل می‌کند، ختم می‌شوند... روشن نیست که چگونه ممکن است شمار محدودی از اطلاعات درباره آنچه در گذشته اتفاق افتاده است ضامن آن شود که الگویی طبیعی برای همه زمانها تداوم داشته باشد.<sup>۱۵</sup>

برای حل این مسئله تلاشهای بسیاری صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به استدلال استقرایی برای حل مسئله استقراء!، پذیرش نتایج استقراء به عنوان نتایج احتمالی و نه قطعی، ابطال‌گرایی و اعتمادگرایی اشاره کرد. کارل پوپر به عنوان واضع نظریه ابطال‌پذیری می‌گوید:

ما فقط دستگاهی را دستگاه «علم تجربی» می‌خوانیم که درست از یک جهان، یعنی «جهان واقع» یا «جهان تجربه ما» خبر دهد... دستگاه تئوریک تجربی مطلوب، باید به سه شرط وفا کند. اولاً باید تألیفی باشد، تا از جهانی عاری از تناقض، یعنی جهانی ممکن خبر دهد. ثانیاً باید از ضابطه تمیز ما تبعیت کند، تا متافیزیکی نباشد، و بر جهان تجربی ممکن دلالت ورزد. سوم این که دستگاه مطلوب ما باید نشانه‌ای داشته باشد تا بتوانیم آن را در میان سایر دستگاهها، نماینده جهان تجربه

<sup>۱۳</sup> محمدرضا حافظ‌نیا، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۱، صص ۶ و ۷.

<sup>۱۴</sup> ر. ک. به: فرامرز رفیع پور، کند و کاو و پنداشته‌ها، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۷، ص ۳۸. و همچنین: کارل ریموند پوپر، منطق اکتشاف علمی، ترجمه سید حسین کمالی، ویراسته عبدالکریم سروش، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱، ص ۴۸.

<sup>۱۵</sup> دیوید پاپینو، مسئله استقراء، ترجمه امیر مازیار، در: سروش/نَدیشه، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۰.



خودمان بشناسیم.... من منکر منطق استقرائیم، و استنتاج تئوریا را از گزاره‌هایی شخصی که به «اثبات تجربی رسیده‌اند» (معنی این عبارت هرچه باشد)، منطقاً محال می‌دانم. از این رو، در نظر من تئوریا هیچگاه قابل اثبات تجربی نیستند... در نظر من، علمی بودن هر دستگاه، در گرو اثبات پذیری به تمام معنای آن نیست، بلکه منوط به این است که ساختمان منطقی‌ش چنان باشد که رد آن به مدد آزمونهای تجربی میسر باشد. هر دستگاه علمی تجربی، باید در تجربه قابل ابطال باشد.<sup>۱۶</sup>

در هر صورت روش علمی پژوهش که امروزه روشی متداول در دانشگاهها است، اساسی مشخص برای خود دارد. با وجود تمام نقدهایی که بر آن شده است، به عنوان روشی نظم دهنده به تحقیق و پژوهش دانشجویان، توجه زیادی را طلب می‌کند و اکثر اساتید بر پیروی از این روش اتفاق نظر دارند.

مارتین هیدگر با ترجمه ۷۰۴۱۷ (نوئین) به Denken یا تفکر در جمله معروف پارمنیدس که می‌گوید: «چون خردورزی مینوی و هستی یک چیزند»<sup>۱۷</sup> آن را به صورت «زیرا فکر کردن و وجود یک چیز است» برمی‌گرداند، و نتیجه می‌گیرد که: «تفکر ندای هستی است، از آن رو که هستی در مقام اندیشیدنی‌ترین و به‌یادآوردنی‌ترین نیازمند آن است که مورد تفکر قرار گیرد، یعنی در حضور آید».<sup>۱۸</sup> وی علم را از این حیث که از هستی روی گردانده است و فقط از قلمرو موجودات حراست می‌کند، فاقد تفکر می‌داند! زیرا علم از آنچه بر او سبق وجودی یا تقدم دارد غافل است. او همچنین انسان را حافظ ظهور هستی در روشنگاه و زبان را خانه هستی می‌شمرد. هیدگر برخلاف حکمای شرقی اصولاً از الحاد می‌آغازد و می‌گوید: «...فلسفه در پرسشگری اساساً خودبنیادش باید اصولاً الحادی باشد».<sup>۱۹</sup> در فلسفه او شهود باطنی و تعقل شهودی یا intellect جایی ندارد و از مراتب عقل و عقل‌عقل خبری نیست. وی از طریق تفکر به هستی و رای هستنده‌ها یا موجودات راه می‌یابد؛ لذا مفهوم هستی نزد هیدگر با آنچه حکمای مسلمان بدان وجود می‌گویند یکی نیست و هستی موضوع فلسفه هیدگر به مرتبتی بس نازل از وجود که در اصطلاح حکمت اسلامی کلی طبیعی، وجود بشرط شیء، وجود محمولی یا وجود کلی مشترک گفته می‌شود، شباهت دارد. در حکمت اسلامی، وجود به معنای حقیقی کلمه، از راه تفکر و علم حصولی قابل ادراک نیست و به دلیل معیت سریانی و معیت قیومی وجود نسبت به ما است که علم حضوری بدان مقدم بر علم حضوری ما بذاتمان می‌باشد. هستی موضوع فلسفه هیدگر نیز از دسترس علم خارج است همان علم به معنای امروزی کلمه با آن معرفت‌شناسی محدودش. هستی در فلسفه هیدگر بیشتر به هیولی ارسطویی شبیه است با این تفاوت که به جای انفعال و پذیرش، فعال است و دارای کنش؛ و کماکان عدم و وجودش یکسان. پیش از

<sup>۱۶</sup> پوپر، منطق اکتشاف علمی، صص ۵۴ تا ۵۶.

<sup>۱۷</sup> τό γὰρ αὐτο νοεῖν ἐστὶν τε καὶ εἶναι

<sup>۱۸</sup> مارتین هایدگر، متافیزیک چیست؟، ترجمه سیاوش جمادی، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۵، ص. ۶۱.

<sup>۱۹</sup> همان‌جا، ص. ۱۹.

هیدگر نیز، این زیگموند فروید بود که روان انسانی را به مغاک دانی‌ترین و تیره‌ترین لایه‌های نفسانی غلطاند و کارل گوستاو یونگ آن را تا اعماق مه‌آلود تاریخ عقب برد و نام ناخودآگاه جمعی بر آن نهاد. هگل نیز ذهن را روح نامید و بدان مقام اطلاق بخشید. عدم هم در فلسفه هیدگر هرچند با لفظ مطلق همراه است اما این عدم بیشتر مضاف است تا مطلق! زیرا به اعتقاد حکمای مسلمان

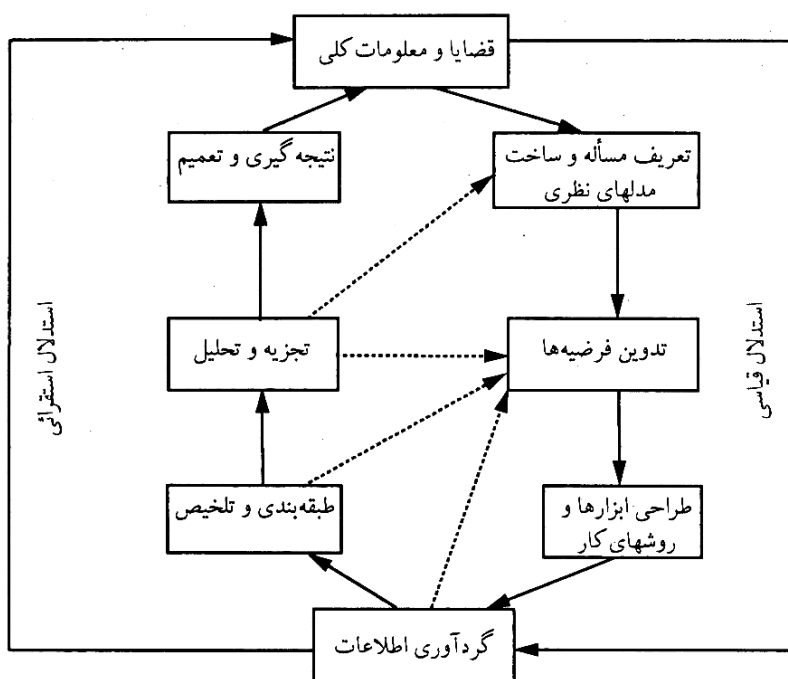
...تجلی و ظهور وجود است که عارض مفهوم عدم مطلق و مضاف در مقام تصور ذهنی می‌گردد و از برکت نور وجود و انبساط هستی، اعدام مطلق و مضاف، یک نوع تحصیل و تعینی پیدا می‌نمایند و عقل به واسطه تصور مفهوم عدم مطلق و مضاف فرق میان این دو می‌گذارد و حکم به امتناع عدم مطلق و امکان عدم مضاف می‌نماید...<sup>۲۰</sup>

عدم مطلق امری ممتنع است که به اعتبار ذهنی معتبر می‌گردد.

در هر صورت علم و روش علمی امروزی هم از هستی هیدگری غافل است و هم از وجود حکمای مسلمان. جریان نظریات فلسفی در غرب را نمی‌توان بدون مطالعه سیر تحولات آن فهمید. از هنگامی که در دین یهود با محوریت کلام تنزیهی و دعوت تنذیری، حقیقت الوهی آن قدر تنزیه شد تا معرفت را به تعطیلی کشاند تا هنگامی که منظر تشبیهی و دعوت تبشیری مسیحیت که منجر به اقتدار ایمان کورکورانه در برابر عقل و سپس اقتدار کلیسا و پیایند آن جمود و تصلب بر ظواهر و خروج بشر اروپایی بر تمامیت این رخداد، و شکل‌گیری نهضت اصلاح دینی بر اساس بازگشت به نگرش کلام یهودی و شکست اقتدار کلیسای کاتولیک شد و در ادامه آن نظریات عرفایی چون سوئندنبورگ و بوهمه نادیده گرفته شد و... همگی اندیشه اروپایی را به سویی سوق داد که امروز شاهد آن هستیم. از منظر سنتی بشر امروزی دچار هبوط مضاعف گردیده است و چاره کار چیزی نیست جز احیای علم قدسی. در این باره سخن بسیارست، مجالش باشد، باز خواهیم گفت.....

<sup>۲۰</sup> سیدجلال‌الدین آشتیانی، شرح مقدمه قیصری بر فصوص/الحکم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰، ص. ۱۲۸.

## روش پژوهش علمی

فرآیند پژوهش علمی و استدلال قیاسی و استقرایی<sup>۲۱</sup>

امروز همه مکاتب فلسفی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و... هر یک داعیه روشی را دارند که می‌پندارند آن روش به صواب نزدیک‌تر و راستین‌تر است. در این جزوه سعی ما بر این است تا یکی از این روشها، موسوم به روش علمی را به صورت ساده و آزمون‌پذیر، تبیین کنیم.

## کار پژوهش

## (۱) زمینه کار پژوهنده

یک پژوهشگر عمدتاً باید دارای خصوصیتی باشد تا او را از فردی عامی که قدرت تشخیص و تمیز ندارد متمایز کند. لذا او دارای فضیلت علم و ابتکار علمی و نگرش علمی است. آنچه به عنوان روش علمی پژوهش در این جزوه مختصر پیشنهاد می‌شود، یگانه روش پژوهش نیست. و مسلماً دانشجوی خلاق در عرصه هنر برای پژوهشهای خود روشهایی کارآمد و نظام‌مند را خواهد یافت، که می‌تواند مکمل روش

<sup>۲۱</sup> نمودار به نقل از: محمدرضا حافظ‌نیا، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، ص ۴۲.

پیشنهادی این جزوه باشد. ما در اینجا فقط نقطه عزیمتی را مشخص کرده‌ایم تا هنرپژوه در یک چهارچوب عقلانی مورد اتفاق در محیط‌های آکادمیک و دانشگاهی به پژوهش خود بپردازد و احیاناً در سردرگمی و حیرانی ناشی از تنوع و تعدد اطلاعات متوقف نشود. البته در یک نگاه خوشبینانه سردرگمی و حیرت، نشان از یک روح علمی دارد که باورهای عوامانه را در پیشبرد یک پژوهش عالمانه کافی نمی‌داند.

### الف) ابتکار

**نوجویی**، یافتن یا کشف آن چه بر دیگران مجهول است؛ و **تفصیل**، تأیید و تفصیل آن چه بر دیگران به طور مجمل آشکار است، در روش علمی پسندیده و **تقلید**، تقلید از آن چه دیگران کشف کرده‌اند، بدون هرگونه نوجویی یا تفصیل که امری مذموم و در حوزه پژوهش علمی مردود است.

### ب) جهان‌بینی یا نگرش علمی

باید به آخرین و دقیق‌ترین روش‌های پژوهش دست یافت و آنها را شناخت. حتی الامکان برای شناخت واقعیت باید اغلب وجوه و نمودهای آن را مورد مطالعه قرار داد. و همیشه باید به خاطر سپرد که شناخت همه وجوه و نمودهای واقعیت ممکن نیست. همواره باید به یاد داشت که پژوهش صورت گرفته آخرین و واپسین پژوهش نیست و همواره باید این آمادگی را داشت که یا خود پژوهشگر یا دیگری در نگرشی عمیق‌تر و دقیق‌تر به افق‌های بزرگتری برسد، و به نقد نتایج قبلی دست یازد. لذا بت‌سازی از نتایج و یا کسی که به نتایجی دست یافته است عملی غیرعلمی است و با نگرش علمی سازگار نیست.

### ۲) روش‌شناسی

روش‌شناسی در واقع نوشتن یک سناریو برای اجرای یک کار پژوهشی است. داشتن یک نقشه و چهارچوب معقول پیش از انجام یک کار پژوهشی، بدون شک انجام موفقیت‌آمیز یک پژوهش را نوید می‌دهد. اغلب پژوهشگران خصوصاً عزیزانی که در حوزه هنر به پژوهش می‌پردازند دچار مسائل و مشکلاتی می‌شوند که اغلب ناشی از نداشتن یک برنامه پژوهشی منظم است. ممکن است ذهن انباشته از اطلاعاتی شود که نتیجه‌ای جز سرگردانی بیشتر فراهم نیاورد. ممکن است قبل از آن که بدانیم چه می‌خواهیم، به جمع‌آوری اطلاعات مربوط و نامربوط بپردازیم؛ و بدون این که بدانیم در جستجوی چه هستیم و یا به مسئله اندیشیده باشیم، بخواهیم انبوهی مدارک نوشتاری و تصویری فراهم کنیم. ساعتها ورق زدن انواع کتب نظری هنر و یا آلبومهای تصویری آثار هنرمندان و خواندن نامه‌ها و یا مطالعه نتایج تحلیل آثار هنری ایشان..... هیچکدام راهگشا نیست. اول باید بدانیم چه می‌خواهیم و بعد چگونه این خواسته را تحقق ببخشیم. در میان دانشجویان هنر این رسم عجیب را شاهد هستیم که اغلب با عبارات مطمئن و دهن

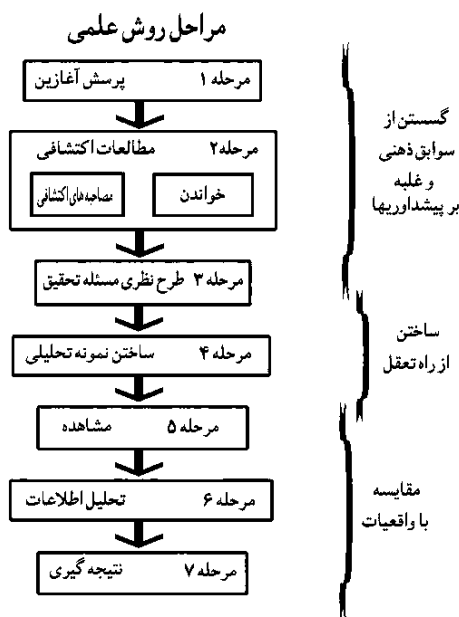
پرکن و یا جملات شاعرانه مبهم و پر از ابهام به طرح مسئله پرداخته‌اند، بدون آن که معلوم شود چه می‌خواهند. گاهی بلندپروازیهای عجیب و غریب و یا تخیلات کودکانه آمیخته با نوعی جاه‌طلبی و غروری بی‌جا - که دشمن روش علمی است - آن چنان بر ذهن حاکمیت می‌یابد که پژوهشگر عرصه هنر را به موجودی متعصب و خودخواه تبدیل می‌کند. کافی است از او سؤال کنید که چه می‌خواهد؟ آن وقت شاهد افاضات موهوم و لفاظیهای محیرالعقول خواهید شد. در حالی که روش علمی پژوهش چون مهارتی محکم بر همه این پراکندگیها و سردرگمیها به کمک او می‌آید، تا به نظم و ترتیب ذهن او پردازد و او را از خواب جهل خود خواسته و یا جهل مرکب برهاند. بسیاری از دانشجویان عزیزی که در طول این سالها افتخار همراهی با ایشان را داشته‌ام، از مشکل بزرگی رنج می‌برند و آن نداشتن موضوعی برای پژوهش است. اغلب گله می‌گذارند که چیزی برای پژوهش ندارند. این مشکل بزرگ از آنجا ناشی می‌شود که این عزیزان از مطالعات نظری در حوزه مربوط به رشته تحصیلی خود گریزانند، یا گستره مطالعات ایشان محدود و کم دامنه است. مطالعه نتایج پژوهشهای دیگران و خاصه مقالات تخصصی‌ای که در مجله‌های علمی و پژوهشی منتشر می‌شود و همچنین مطالعه و نگارش مقالات انتقادی درباره پایان‌نامه‌هایی که در حوزه‌های تخصصی نگاشته شده، می‌تواند بزرگترین محرک این دوستان باشد.

گستون بشلار متفکر معاصر فرانسوی، در چند کلمه روش علمی را این گونه تعریف می‌کند: «واقعیت علمی از راه غلبه بر پیشداوریها، ساختن از راه تعقل و مقایسه با واقعیتها به دست می‌آید.»<sup>۲۲</sup> از دیدگاه روش‌شناسی مراحل یک پژوهش علمی را می‌توان در شش مرحله خلاصه کرد که به ترتیب عبارتند از:

- (۱) مسئله‌یابی یا کشف مسئله
- (۲) بررسی یا مطالعه اجمالی (کتاب‌خوانی، مصاحبه اکتشافی، تجربه و مشاهده در میدان عمل یا آزمایشگاه)
- (۳) گمانه‌آفرینی یا وضع فرضیه (فرضیه توصیفی، فرضیه تحلیلی)
- (۴) واریسی یا مطالعه انتقادی
- (۵) قانون‌یابی یا کشف قانون
- (۶) نگرش‌آفرینی یا نظریه‌سازی

در برخی پژوهشهای دقیقتر ساخت یک نمونه تحلیلی را به این مراحل افزوده‌اند که در واقع نوعی بسط دامنه فرضیه است و یا تحلیل خود فرضیه به اجزاء و مفاهیم برای بررسی دقیقتر با در نظر داشتن اصل ابطال‌پذیری و آمادگی برای آزمودن فرضیات مشابه.

<sup>۲۲</sup> ریمون کیوی؛ لوک وان کامپنهود، روش تحقیق در علوم/ اجتماعی، ترجمه عبد الحسین نیک‌گهر، تهران، انتشارات توتیا،



### ج) نقشه پژوهش

طراحی نقشه پژوهش می تواند پژوهشگر یا گروه پژوهشگران را در طی مسیر پژوهش راهنمایی کند.

- ۱) پژوهنده کیست؟ توانایی، آمادگی.....
- ۲) هدف پژوهنده چیست؟ خدمت به جامعه، حقیقت دوستی، وظیفه حرفه ای.....
- ۳) مسئله چیست؟ درباره چه چیز باید پژوهش کرد؟ مرزها و حدود آن کدامند؟...
- ۴) چگونه تحقیق می کند؟ شیوه یا شیوه های پژوهش او کدامند؟ کتاب خوانی، مشاهده، آزمایش....
- ۵) با که و چه تحقیق می کند؟ میانجیهای او برای پژوهش کدامند، دست یار، نرم افزار، سخت افزار.....
- ۶) کجا تحقیق می کند؟ محل پژوهش او کجاست؟ کتابخانه، آزمایشگاه، میدان عمل.....
- ۷) کی تحقیق می کند؟ چه مدت برای پژوهش او لازم است؟ چند ساعت، روز، ماه، سال،... با وقفه یا بی وقفه....

- ۲) جهت یابی، آشنایی با موضوع متضمن انتخاب و تحلیل مسئله و گزینش شیوه یا شیوه های بررسی و برشمردن نوشته های مربوط به مسئله است.

### الف) مسئله گزینی

ویژگیهای یک مسئله مناسب:

- ۱) برای بهبود جامعه یا تکامل علم سودمند است
- ۲) ناگشوده است یا گشوده ولی گسترش نیافته است و یا از جهتی گشوده و از جهتی ناگشوده است.

(۳) با توجه به توانایی پژوهنده و امکان علمی عصر او، گشودنی یا گسترده‌ی است.

(۴) مورد علاقه پژوهنده است.

### معیارهای سه‌گانه انتخاب مسئله

انتخاب مسئله نخستین گام یک پژوهش است، پرسش علمی جمله‌ای سؤال‌ی یا بیانی استفهامی درباره‌ی ارتباط بین دو یا چند متغیر است.

(۱) مسئله باید بیان رابطه‌ای بین دو یا چند متغیر باشد

(۲) مسئله باید ضمن جمله‌ای پرسشی، به روشنی و بدون ابهام مطرح شود

(۳) مسئله و بیان آن باید به گونه‌ای باشد که بتواند امکانات آزمایش آن را تلویحاً نشان دهد

پرسشهای پاسخ‌پذیر (پرسش منطقی)

پرسش پوچ پاسخ ندارد. مانند: (میزان استفاده از پلی‌مرها و رنگهای آلی در ظروف برنزی ساخته شده در دوره ساسانی چقدر است؟) (چه شهری پایتخت یک کشور آسیایی است؟) (آیا خدا می‌تواند سنگی بیافریند که خودش نتواند آن را بلند کند؟)

پرسش پاسخ‌پذیر بر اساس واقعیت، مطابق قاعده زبان طرح می‌شود. (فراپوشی نقوش هندسی چه درصدی از سطوح نگارگری‌های بهزاد را تشکیل می‌دهد؟) (آیا معمار ایرانی دوره صفویه از مصالحی غیر از مصالح شناخته شده در سنت معماری کهن استفاده کرده است یا نه؟)

مسئله از حیث فراگیری و دامنه به دو گروه تقسیم می‌شود:

مسئله خرد، همانند تحلیل اثر یا آثار هنرمند که مستلزم پژوهش خرد است.

مسئله کلان، همانند تحلیل آثار یک مکتب، سبک یا فرهنگ که مستلزم پژوهش کلان است

تحلیل مسئله دومین گام یک پژوهش است، در این مرحله مسئله به اجزاء آن تقسیم می‌شود. سپس با دسته‌بندی اجزاء وجوه هرکدام جداگانه تشریح می‌شود، حد و مرز مشخص اجزاء و وجوه آنها، دامنه پژوهش و قلمرو مطالعات و آزمایشها را تعیین می‌کند. (تمرین کلاسی: پرسشهای مورد نظرتان را طرح و با کمک سایر دانشجویان آن را تجزیه و تحلیل کنید)

ب) مسئله‌کاوی یا تحلیل مسئله (مسئله به صورت مشخص درمی‌آید و تعریف و سپس تحلیل می‌شود و مسائل فرعی از دل آن استخراج می‌شود) مسئله مشخص یعنی مرزهای معین داشته باشد؛ و تحلیل مسئله یعنی استغراق در آن.

ج) شیوه‌گزینی یعنی سنجش شیوه‌های بررسی مسئله و گزینش شیوه یا شیوه‌های درخور

۱- ج) بررسی نظری، در این نوع بررسی اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای گردآوری می‌شود. سپس با روشهای مختلف استدلال مورد تجزیه و تحلیل عقلی قرار می‌گیرد.

۲-ج) بررسی عملی، در این نوع بررسی داده‌ها و اطلاعات اولیه با استفاده از روشهای آزمایش، مشاهده، مصاحبه و .... گردآوری می‌شود. و با استفاده از روشهای آماری و معیارهای پذیرفته شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، البته پژوهشگر در نحوه به کارگیری روشها و نیز تحلیل نتایج به استدلال عقلی و روش منطقی عمل خواهد کرد.

د) سندگزینی، گزینش و ارزیابی نوشته‌های معتبر که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم درباره مسئله نوشته شده‌اند (کتاب‌نامه و کتاب‌شناسی)

### بررسی اجمالی

#### مطالعه سوابق پژوهشی

جمع‌آوری اطلاعات پیرامون مسئله مورد نظر به‌طور کلی بسیاری از مشکلات پیش روی پژوهشگر را خواهد کاست. در واقع این مطالعه ما را از دوباره‌کاریها و انجام کارهای بیهوده بازمی‌دارد. آگاهی یافتن از یافته‌ها و نتایج پژوهشهای دیگران، بسیاری از ابهامات را برطرف می‌سازد و جهت پژوهش را مشخصتر می‌کند. همین قدر که از نظریات مرتبط و مشابه آگاهی می‌یابیم کافی است تا دامنه کار ما در ارتباط با کارهای صورت گرفته معین و محدوده آن مشخص شود.

#### فواید مطالعه سوابق پژوهشی

- الف) تسلط و اشراف بر مسئله، گستردگی دید و اطمینان از بدیع بودن مسئله
- ب) پیش‌گیری از دوباره‌کاری، یا انجام کارهای موازی و صرفه‌جویی در وقت و هزینه
- ج) آشنایی با روش کار و مسائل و مشکلات پیش رو، و استفاده مناسب از نتایج پژوهشهای مشابه
- د) شناخت بهتر متغیرهای مورد نظر و ارتباط علت و معلولی بین آنها و تبیین مسئله در قالب مدل‌های نظری
- هـ) تدوین ساده‌تر فرضیه بر اساس روش و نتیجه کارهای دیگران
- و) دستیابی به تکیه‌گاههای محکم برای استدلال منطقی در مرحله بررسی و ارزیابی فرضیه

### شناسایی منابع

منابع معمولاً به شکل کتاب، مجله، روزنامه، اسناد، تصاویر، نقاشیها، عکسها، طرحهای مطالعاتی، باسمه‌های چاپی، پیکره‌ها، تندیسها، اشیاء موزه‌ای، بافته‌ها، ساختمانها و ابنیه باستانی، نمودارها، نقشه‌ها، فیلم، اطلاعات رایانه‌ای و .... در دسترس هستند. منابع مرجع به‌طور عمده به دو گروه تقسیم می‌شوند:

#### ۱) منابع اطلاعاتی دست اول:

یافته‌ها و اطلاعاتی که پژوهشگر در پایان پژوهش و تحقیق به آن دست یافته است



گفته‌ها و اطلاعات کسی که در یک واقعه و جریان اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی شخصاً ناظر بوده است. [یافته‌های پژوهشی و علمی یک پژوهشگر که در نشریه‌ای علمی، پژوهشی، تخصصی یا ترویجی منتشر شده است؛ گزارش یک خبرنگار یا مورخ از وقایع و رخدادها؛ منوگرافی‌ها یا تک نگاری‌ها، مجوزها و اسناد ثبتی، دستنوشته، خاطرات، و زندگی نامه خود نوشت افرادی که خود یا نتیجه کارشان به موضوع تحقیق مرتبط هستند]

برای دسترسی به این مراجع و منابع باید به نمایه‌ها، کتابشناسیها، و فهرستها رجوع کرد. امکان عدم ثبت یا نبودن این منابع همواره به دلایل مختلف وجود دارد.

(۲) منابع اطلاعاتی دست دوم:

تحقیقات و پژوهشهایی که بر اساس نوشته‌ها و گفته‌های ناظران وقایع یا نتایج پژوهش و تجارب شخصی دیگران صورت می‌گیرد و به صورت کتاب و مقاله و ... منتشر می‌شود.

داشتن قصد و هدف خاص، گزینشی بودن مطالب، جرح و تعدیل و قضاوت در باره منابع اطلاعاتی دست اول شاخصه این گونه منابع هستند.

[مقالات دائرةالمعارفها، سالنامه‌ها، دستنامه‌ها، لغت‌نامه‌ها، شرح حالها و مقالات روزنامه‌ها در صورتی که نویسنده از نتایج پژوهش یا تجربه دیگران استفاده کرده و به تفسیر و تأویل و یا توضیح و رفع اشکال نظریات پژوهشگر اصلی یا ناظر و شاهد واقعی پرداخته شده باشد؛ از نوع منابع دست دوم به‌شمار می‌آید.]<sup>۲۳</sup>

روش فهرست‌برداری از منابع

(۱) کتاب‌شناسیها، (کتاب‌نامه [سیاهه مشخصات کتابهای چاپی]، مقاله‌نامه، کتابشناسی [مقاله‌ها و کتب]، کتاب‌نامه کتاب‌شناسیها، فهرست و فهرستگان [فهرست کتب کتابخانه‌ها])؛ جامع و برگزیده؛ جاری و گذشته‌نگر؛ موضوعی

(۱-۱) کتابشناسیهای دقیق:

- کتابشناسی متنی: مقایسه و تطبیق متون و تغییرات آنها در ویرایشها و چاپهای مختلف

- کتابشناسی تاریخی: تاریخ و محل نشر هر اثر را مشخص می‌کند

- کتابشناسی توصیفی: که مشخصات نسخه اصلی و تغییرات آن را در ویرایشهای بعدی معین می‌کند

(۱-۲) کتاب شناسی ترتیبی: اطلاعات حاصله از یک کتاب در یک ترتیب منطقی و مفید تنظیم می‌شود.

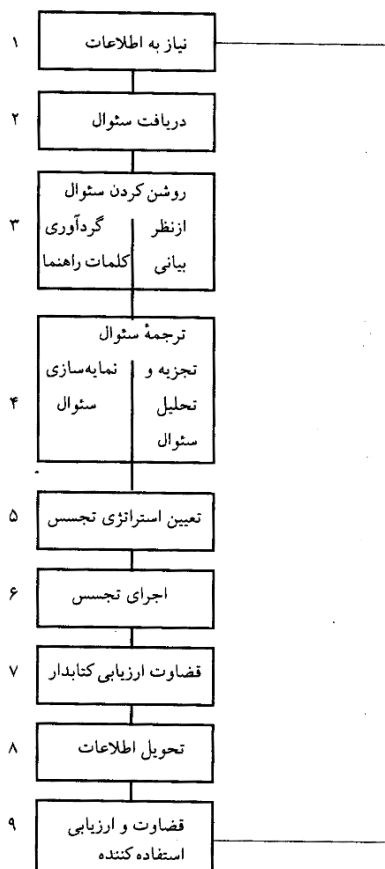
(۲) فهرستهای تحقیقاتی

(۳) چکیده‌ها و خلاصه محتوای پژوهشها و پایان نامه‌ها

(۴) مجموعه مقالات

<sup>۲۳</sup> نورالله مرادی، مرجع شناسی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱، ص ۲۹.

- (۵) مصاحبه [برای مصاحبه اکتشافی، به بخش بعدی مراجعه کنید]
- (۶) بایگانیهای تصاویر خاص و معمولی، نقشه‌ها، فیلمها، نوارهای صوتی
- (۷) اطلاع‌رسانی رایانه‌ای، جستجوگرهای نشانی صفحات و پایگاههای اطلاعاتی، نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای، و تکرسانه‌ای، اطلاع‌رسانی باز یا (On-line) مراکز اطلاع‌رسانی خاص یا پژوهشکده‌ها.



مراحل استفاده از راهنمایی کتابداران برای کسب اطلاعات<sup>۲۴</sup>

### مطالعه و برگه‌نویسی (فیش‌برداری)

- (۱) حاشیه‌نویسی و علامتگذاری (در صورت مالکیت کتاب)
- (۲) خلاصه‌نویسی متن، نگارش مجدد، و رونویسی
- (۳) استفاده از رایانه و حافظه‌های مصنوعی
- (۴) برگه‌نویسی یا فیش‌برداری از روشهای مرسوم برای جمع‌آوری اطلاعات اولیه یا اسناد مکتوب برای بررسی یک موضوع است. هر برگه شامل بخشهای گوناگونی است که کارکرد و امکانی خاص برای

<sup>۲۴</sup> همان، ص. ۲۰.

پژوهشگر در استفاده از آن فراهم می‌کند. بعد از استفاده از این برگه‌ها باید آنها را در یک برگه‌دان که براساس بخشهای مختلف بررسی پژوهشگر آماده و تقسیم بندی شده است، قرار داد تا رجوع بدانها هنگام نیاز آسان باشد.

نمونه رو و پشت یک برگه فیش برداری

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين		صلی الله علیک یا ولی العصر ادرکنی	
شماره فیش	تاریخ	نقل	ترجمه
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>
موضوع عام		موضوع خاص	
<input type="text"/>		<input type="text"/>	
عصاره مطلب:			
کتاب		مؤلف	
<input type="text"/>		<input type="text"/>	
کد		مترجم	
<input type="text"/>		<input type="text"/>	
صفحه		باب	
<input type="text"/>		<input type="text"/>	
فصل		جلد	
<input type="text"/>		<input type="text"/>	
کد		کد	
<input type="text"/>		<input type="text"/>	

## چکیده نویسی:

متن زیر یک نمونه از چکیده نویسی است که از روی متن مفصلی با همین عنوان صورت گرفته است. (به متن پیوست که در کلاس ارائه می شود توجه فرمائید.)

## ماهیت هنر قرون وسطی

آناندا کوماراسوامی

ذهنیت مدرن به یک اندازه از نگرش قرون وسطایی و شرقی دور است. انسان مدرن از دو دیدگاه هنر را می نگیرد: (۱) دید مبتنی بر اصل تکامل و پیشرفت که هنر روزگار پیشین را بدوی و خام می داند. (۲) دید مبتنی بر واکنش عاطفی در برابر ظواهر زیباشناختی و روابط میان اجزای اثر.

دید نخست: از نظر فیلسوفان قرون وسطی رئالیزم اواخر رنسانس و هنر آکادمیک مصداق ناتوانی از شناخت چیزی شریفتر از جسم است. دید دوم: هر چند شباهت با واقعیت را مردود می داند و هنر بدوی را می ستاید، اما هنر را بیان مؤثر بر عواطف می داند و معتقد به اصالت ادراک حسی در هنر یا آئیستیک است. نگرشی که در دو قرن اخیر سلطه اومانیزم رواج یافته است. اگر با این نگرش به هنر قرون وسطی بنگریم عملاً به تحمیل نظر خود به کسانی هستیم که نظرشان متفاوت با ماست. آنها معتقد بودند که هنر بدون علم هیچ است و فرهیختگان منطق هنر را درمی یابند و نافرهیختگان فقط امیال خود را. هنر خود هدف نیست، بلکه با برآوردن نیازهای آدمی وی را در وصول به هدف غایی سعادت ابدی، یا شناخت حق یاری می کند. حقی که ذاتش منشاء زیبایی در همه چیز است. در هنر قرون وسطی فقط تأثیر و تأثر عاطفی در مد نظر نبود بلکه آموختن از راه تأثیر را می جست. زیرا انسان آن عصر پیش از تأثر از سبک و شکل از معانی ای متأثر می شد که از طریق آنها بیان می گردید. به عبارتی اگر چیزی در قلمرو تجربه باطنی نبود شایسته ادراک نمی شد.

هنر قرون وسطی نوعی معرفت بود که هنرمند با آن صورت اثر مطلوب را تصور می کرد و با موادی مقتضی آن را تجسد می بخشید. اثر او هنر نامیده نمی شد بلکه بدان مصنوع هنر می گفتند و هنر همواره در درون هنرمند باقی می ماند. هنر به کاربردی و زیبا و محض و تزئینی تقسیم نمی شد. هنر برای امور شریف و متناسب با مقتضیات و کاربردها بود. شرافت زینت جان و معرفت زینت خرد بود. در آن دوره کمال هدف بود نه جمال. نه زیبایی شناسی هنر بود و نه روانشناسی هنر. آن جمالی جاذبه کمال شمرده می شد که بر تناسب و هماهنگی اجزاء استوار و بر وضوح و روشنی متکی باشد.

هنرمند انسان خاصی نبود، بلکه هر انسان هنرمند خاصی بود. هنرمند به میل و هوس خود چیزی نمی ساخت لذا هنر وی بیان گرایشهای نفسانی وی نبود. از همین روی ناشناس می ماند و اگر اثری نام داشت برای تضمین بود نه تعریف هنرمند. مشتری هنر نیز فرد خاصی نبود و مانند هر مصرف کننده ای می دانست که چه می خواهد ولی منتقد هنر نبود. هنرشناسان امروزی به شخصیت متجلی هنرمند در سبک وی توجه می کنند در حالی سبک امری عارضی است نه ذاتی هنر. برای همین هنرشناسان امروزی بی توجه به علل و عوامل پدیدآمدن هنر قرون وسطایی ای مانند شمایل نگاری آن را نادیده می انگارند. چگونه می شود وقتی بر آنچه بایست گفته یا کرده می شد وقوف نداریم درباره آن قضاوت کنیم؟

رمزپردازی در هنر مسیحی از زبانی جهانی بهره می بُرد که در سراسر عالم فهمیده می شد. برای درک هنر قرن وسطی باید روح قرون وسطی، روح مسیحیت و روح آنچه به حق فلسفه جاویدان یا سنت جهانی واحد و همگانی خوانده می شود بازشناخت. روح حکمتی که کسی آن را وضع نکرده بلکه همواره بوده و هست و خواهد بود.

### مصاحبه اکتشافی:

مصاحبه اکتشافی در تکمیل خواندن متون اکتشافی و اصلاح جهت و دامنه مطالعه متون نقشی اساسی می‌یابد. در یک تعامل بین یافتن و خواندن متنهای مربوط به مسئله و انجام مصاحبه‌های اکتشافی می‌توان چهارچوبهای مصاحبه را مشخص کرد. واز طریق مصاحبه‌های اکتشافی می‌توان جلوی صرف بیهوده وقت برای خواندن متون و ساختن فرضیات و یا انجام مشاهدات بی‌مورد را گرفت. مصاحبه اکتشافی جنبه‌هایی از پدیده موضوع تحقیق را آشکار می‌کند و عرصه‌های جدیدی را پیش روی محقق می‌گذارد.

(الف) مصاحبه باید راحت و بدون پیچیدگی و بسیار انعطاف‌پذیر صورت گیرد.

(ب) باید از طرح پرسشهای انبوه و یا بسیار جزئی و دقیق خودداری کرد.

(ج) هدف در مصاحبه اکتشافی گوش دادن است نه سؤال پیچ کردن مصاحبه شونده.

(د) مصاحبه برای کشف شیوه‌های نو در طرح مسئله است نه آزمودن اعتبار طرحهای پرسشگر.

(ه) مصاحبه اکتشافی جلوی توهم روشن‌بینی پژوهشگران بی‌تجربه را خواهد گرفت و ایشان را از مفاهیم سطحی و پیشداوریها خواهد رها کند.

### شرایط مصاحبه اکتشافی

(۱) مصاحبه اکتشافی با چه کسانی مفید است؟

(۱-۱) هیئت علمی دانشگاهها، محققان کار آزموده و کارشناسان خبره با تحلیل مسائل، بیان نتایج و تشریح روش تحقیقاتشان، مشکلات و موانع پیش رو، به محقق خصوصاً محققین تازه کار، کمک زیادی می‌کنند.

(۱-۲) شاهدان عینی، به دلیل موقعیت شغلی یا مسئولیتشان که به‌طور عمیق و دقیق موضوع مورد پژوهش به صورت مشغله دائمی ایشان درآمده است. همانند استادکاران مشاغل و هنرهای سنتی. هنرمند، یا هنرمندانی که موضوع مورد پژوهش را عملاً به عنوان یک وظیفه و یا علاقه می‌آزمایند.

(۱-۳) مخاطبینی که خود موضوع تحقیق هستند. همانند هنرمندی که احوال و آثارش مورد بررسی قرار می‌گیرد و یا بررسی جامعه‌ای که به دلیل داشتن خصوصیت و یا وجود مسئله‌ای خودشان موضوع تحقیق واقع می‌شوند.

(۲) مشکلات پیش رو

به‌طور معمول مصاحبه با افراد گروه دوم و سوم به دلیل توهم روشن‌بینی، عدم توجه به مفاهیم نظری، تقلیدی بودن نوع اشتغال، خود بزرگ‌بینی و یا سایر علل روانی یا اجتماعی شخص یا اشخاص، خطر دوری از واقعیات را به همراه دارد. توجه اعمال، وجود ذهنیت غالب، بینش یک سویه، شناخت غیر علمی، تنگ‌نظری و بخل در دادن اطلاعات از عمده‌ترین معایب ذاتی مصاحبه با این گونه افراد است. لیکن داشتن

ذهنی و قادی، جهت دادن آگاهانه به مباحث و یا سایر روشهای ارتباط مؤثر برای جلب اعتماد می‌تواند بسیاری از موانع را در بهره‌وری از مصاحبه اکتشافی با این دو گروه را از میان بردارد.

### چگونه یک مصاحبه اکتشافی را انجام دهیم؟

(۱) مصاحبه کننده حتی المقدور بکوشد سؤالات کمتری مطرح کند.  
مصاحبه یک بازجویی نیست یک بررسی پرسشنامه‌ای هم نیست!  
زیاده‌روی در پرسش مصاحبه شونده را خیلی زود به خستگی می‌کشاند.  
مصاحبه شونده احساس خواهد کرد که از او خواسته‌اند به یک دسته سؤالات و پرسشهای معین پاسخ دهد برای همین از بیان اندیشه‌های عمیق و تجارب دقیق شانه خالی می‌کند. و همواره منتظر پرسیدن سؤال بعدی است.

مصاحبه کننده باید در ابتدای مصاحبه با مقدمه‌ای کوتاه در باره اهداف مصاحبه و انتظاراتش، مصاحبه شونده را در جوئی آزاد در گفت و شنودی راحت و صریح قرار دهد.

(۲) مداخله حداقل در جریان مصاحبه  
برای برگرداندن مسیر مصاحبه به جهت اصلی آن، دمیدن روح تازه‌ای در بحث، امتناع از یکنواختی و ترغیب مصاحبه شونده باید برخی از مفاهیم مورد نیاز را بیشتر شکافت.  
سؤالات باید کاملاً روشن و واضح باشد.

مصاحبه شونده باید بتواند با فراغ بال واقعیت را آن گونه که به نظرش می‌آید را با مبانی و مبادی فکری خاص خودش پاسخ دهد.

پرسشهای دقیق و تحکیم‌آمیز موجب تلاش در القای نظریات مصاحبه شونده با هدف به راه آوردن مصاحبه کننده و به نوعی تبلیغ با هدف پذیرش قطعی و بی‌چون و چرای مطالب توسط مصاحبه شونده می‌شود؛ و از صورت مصاحبه اکتشافی خارج می‌شود.

راه‌اندازی مجدد:

- «اگر درست فهمیده باشم منظورتان این است که...» گرفتن توضیح بیشتر
- «بله .... البته...» نشان دادن توجه و علاقه
- «شما هم اکنون می‌فرمودید که...» برگشتن به موضوعی که به توضیح بیشتری نیاز دارد. «می‌توانید توضیح دهید .....
- «وقتی می‌فرمایید ..... منظورتان دقیقاً چیست؟» اشاره به برخی جزئیات مهم
- «شما برای این مسئله دو جنبه (وجه یا دلیل) قائل شدید، اولی را شرح دادید، دومی کدامست؟» برای تذکر نکته فراموش شده.

- «ما هنوز در بارهٔ این موضوع صحبت نکرده‌ایم...، لطفاً نظرتان را در این باره اعلام بفرمایید؟» برای اظهار نظر دربارهٔ جنبهٔ دیگری از موضوع.
- سکوت به موقع موجب آرامش خاطر مصاحبه شونده در وحدت بخشیدن به موضوع و استفاده از فرجهٔ آزادی عمل بیشتر را در هنگام مصاحبه فراهم می‌کند.
- پرسشهای عجولانه هنگام التزام به سکوت نشانهٔ ترس بوده و آزادی عمل را از مصاحبه شونده می‌گیرد. زیرا در جریان سکوت به هنگام، به یاد آوردن و اندیشیدن در مورد سایر جوانب موضوع برای مصاحبه شونده رخ می‌دهد. پرسش نابهنگام موجب تردید و دودلی در اظهار مطالب می‌شود.
- ۳) خودداری از جبهه‌گیری در برابر محتوای مصاحبه.
- پرهیز از مناظرهٔ ایدئولوژیک.
- پرهیز از ابراز رضایت صریح.
- ۴) انجام مصاحبه در محیطی آرام و مناسب (شرایط زمانی و مکانی مطلوب)
- مصاحبه در حضور افراد غریبه، سر و صدای زیاد، نگرانی از گذشت زمان و از دست دادن فرصتهای دیگر و سایر عوامل مزاحم همواره موانع جدی‌ای در سر راه انجام یک مصاحبهٔ صحیح فراهم می‌آورد.
- صراحتاً پیش از انجام مصاحبه مدت زمان مورد نیاز و نیز پیش‌بینی فرض علاقه‌مندی مصاحبه شونده به موضوع مورد بحث و گسترش دامنهٔ آن و احتمال تمديد زمان متناسب با آن را، با مصاحبه شونده در میان گذارید.
- ۵) ضبط مصاحبه‌ها با ابزار سبک و قابل حمل و کوچک
- به دلیل کوچکی این ابزار و وسایل به زودی از تداوم جلب توجه مصاحبه شونده جلوگیری می‌کند.
- باید ضبط گفت و گو با اجازهٔ قبلی باشد.
- در صورت لزوم متعهد به حفظ هویت مصاحبه شونده باشید.
- نوار ضبط شده را به او برگردانید؛ یا پس از استفاده آن را پاک کنید.
- یادداشت‌برداری منظم تمرکز حواس مصاحبه شونده را برهم خواهد زد، یا اهمیت مصاحبه را خیلی زیاد جلوه خواهد داد. یادداشت برخی از نکات برای جهت دادن به بحث اشکالی ندارد [ر.ک. به بند ۲]
- (تجربهٔ عملی و تکلیف کلاس: برای شناخت وجوه مختلف مسئلهٔ مورد پژوهش خود با افراد ذی‌صلاح مصاحبه‌ای را ترتیب دهید و نتیجهٔ آن را به مدرس گزارش دهید).



چگونه باید از مصاحبه‌های اکتشافی بهره برداری کرد؟

(۱) گفتار به عنوان منبع اطلاعات

مصاحبه اکتشافی برای رسیدگی به فرضیه‌های تحقیق و یا جمع‌آوری و تحلیل داده‌های دقیق نیست. بلکه یافتن محورهای تفکر و بررسی، توسعه چشم‌اندازهای مدارک و متون خواندنی، آگاهی از ابعاد و عمق مسئله، پیشگیری از پرداختن به مسائل کاذب که محصول پیشداوریهای نادرست و سوابق ذهنی است، آشکار کردن پندارهای غلط، گسترش افق دید، بررسی صحیح مسئله، پی بردن به اختلاف نظرها و تناقضات و چگونگی عبور از آنها، هدف اصلی مصاحبه اکتشافی است.

لذا ما به استخراج دقیق و تحلیل گفتمان مصاحبه به عنوان سند قطعی برای اثبات یا رد فرضیه‌مان نمی‌پردازیم. بلکه با شنیدن مکرر متن مصاحبه سعی در یافتن محورهای بحث، کشف موارد متناقض درون آن، واگرایی و همگرایی دیدگاهها، و اندیشیدن در مورد پیام آنهاست، نباید از نکات جزئی‌ای که در ارتباط با نکات جزئی دیگر برخی از جنبه‌های پنهان مسئله را روشن می‌کند غافل بود.

(۲) گفتار به عنوان فرآیند

توجه به مراحل پروراندن فکر در جریان مصاحبه.

در این‌گونه مصاحبه که به مصاحبه بی‌رهنمود معروف است، مخاطب ترغیب می‌شود که از تجارب و یا تصوراتش در خصوص مسئله مورد نظر پژوهشگر حرف بزند.

مصاحبه شونده نخستین بار است که درباره موضوع صحبت می‌کند؛ لذا توجه به نحوه تنظیم مطالب، وحدت بخشی به موضوع، یافتن و یا به یاد آوردن و توجه به سایر جوانب مسئله، چگونگی تبیین آن و اشارات کم و بیش مبهم به برخی مبادی و مبانی فکری او در این روند مهم است.

برخی جملات هیچگاه بیان نخواهند شد و برخی نیمه‌کاره رها می‌شوند. نیافتن کلمات مناسب و وجود دیدگاههای متناقض در ذهن مصاحبه شونده، پنهان کردن برخی وجوه به دلایل مختلف، پاسخهای آشفته و انحرافی که از سیر منطقی متعارفی برخوردار نیست، اما کاملاً افشاگر است. همگی باعث می‌شوند که به مصاحبه فقط به عنوان یک فرایند برای تبیین مسئله و پروراندن آن توجه کنیم.

مصاحبه کننده از مساعی مخاطب خود برای مهار کلام، تعالیم و ناآگاهیهای او، می‌تواند بسیاری از وجوه پنهان مسئله، برخی عقاید متناقض و تصورات متفاوت را بازسازی کند.

ترکیب این دو نوع مصاحبه اکتشافی در واقع به استحکام نتایج مصاحبه کمک شایانی می‌کند. استخراج سطحی مصاحبه نه تنها کارگشا نیست، بلکه بیشتر به پیشداوریها و تقویت پندارهای نادرست می‌انجامد.

(تکلیف کلاس: تکمیل مصاحبه با خواندن برای تبیین دقیق مسئله و کشف وجوه پنهان آن و در نتیجه تحلیل درست آن، نتیجه این مرحله را در یک برگ گزارش کنید.)

ردیف	شرح سؤال یا مورد بررسی	بلی	خیر	ملاحظات
۳	آیا تحقیق و نتایج آن مورد علاقه و توجه جامعه قرار دارد؟			
۴	آیا تحقیق ارزش انجام شدن دارد؟			
۵	آیا تحقیق حالت تکرار ندارد؟			
۶	آیا به توسعه قلمرو معرفتی بشر کمک می‌کند؟			
۷	آیا تحقیق از تکیه گاه نظری برخوردار است؟			
۸	آیا تحقیق از تازگی برخوردار است؟			
۹	آیا متغیرها برای فرضها شناسایی شده است؟			
۱۰	آیا نوع متغیرها مشخص شده است؟			
۱۱	آیا امکان سنجش آنها با استفاده از ابزار موجود یا محقق ساخته وجود دارد؟			
۱۲	آیا تحقیق ارتباط بین متغیرها را مورد سنجش قرار می‌دهد؟			
۱۳	آیا می‌توان رابطه بین متغیرها را کشف کرد؟			
۱۴	آیا متغیرهای توصیفی به معلوم کردن مسأله خواهد انجامید؟			
۱۵	آیا امکان دسترسی به اطلاعات و داده‌ها وجود دارد؟			
۱۶	آیا می‌توان مسأله تحقیق را تعریف نمود؟			
۱۷	آیا متغیرهای مورد مطالعه قابل کنترل است؟			
۱۸	آیا امکان حذف متغیرهای مزاحم وجود دارد؟			
۱۹	آیا تحقیق در حد امکان محدود شده است؟			
۲۰	آیا امکان اجرای تحقیق در چهارچوب فرایند تحقیق عملی وجود دارد؟			
۲۱	آیا محیط مسأله اجازه تحقیق را می‌دهد؟			
۲۲	آیا تحقیق انجام شدنی است؟			
۲۳	آیا محقق از تبحر و تخصص مورد نیاز برخوردار است؟			
۲۴	آیا امکان استفاده از سایر متخصصان و مشاوران وجود دارد؟			
۲۵	آیا محقق استعداد و توانایی مدیریت و رهبری تحقیق را دارد؟			
۲۶	آیا محقق توانایی اجرای تحقیق را دارد؟			
۲۷	آیا محقق مجوزهای لازم را در اختیار دارد؟			
۲۸	آیا وسایل مورد نیاز قابل تأمین است؟			
۲۹	آیا زمان کافی برای اجرای تحقیق وجود دارد؟			
۳۰	آیا بودجه و منابع مالی کافی برای اجرای تحقیق در اختیار است؟			
۳۱	آیا نیروی انسانی مورد نیاز وجود دارد؟			
۳۲	آیا تاریخچه پدیده و تحولات آن مورد بررسی قرار گرفته است؟			
۳۳	آیا ابعاد کمی و کیفی مسأله شناسایی شده است؟			
۳۴	آیا ویژگیها و مشخصات مسأله تعیین شده است؟			
۳۵	آیا بررسی اولیه در خصوص ماهیت مسأله و متغیرهای احتمالی انجام شده است؟			

### طرح فرضیه

بیان مسئله تنها به صورت کلی، پژوهش را هدایت می‌کند و تمام اطلاعات ویژه پژوهشی را دربر ندارد. از طرف دیگر، در صورتی که کلیه اطلاعات پژوهشی را در مسئله مطرح کنیم مسئله پرحجم می‌شود، به گونه‌ای که تدبیر و هدایت آن امکان پذیر نیست. بنابراین مسئله هرگز به صورت علمی حل نخواهد شد، مگر این که به فرضیه یا فرضیه‌هایی تبدیل شود.... فرضیه همیشه از مسئله ناشی نمی‌شود. ممکن است فرضیه بر اساس پیشینه تحقیق یا در برخی از موارد بر پایه مجموعه‌ای از داده‌ها و تحلیل آنها حاصل شود.... فرضیه بدون مسئله، معنا ندارد و مسئله بدون فرضیه هم به نتیجه نمی‌رسد....<sup>۲۵</sup>

### تعریف فرضیه

فرضیه حدس، ظن، گمان یا توضیح آزمایش نشده متکی بر منطق و اندیشه است که درباره ماهیت، چگونگی و رابطه بین دو یا چند متغیر یا پدیده است، که به پژوهشگر در تشخیص نزدیکترین و محتمل‌ترین راه برای کشف واقعیات و گشودن مجهولات یاری می‌رساند.

در واقع فرضیه یک راه حل موقتی و یک پیش بینی احتمالی راهی است برای حل رسیدن به پاسخ مسئله؛ که بر اساس تجزیه و تحلیل مسئله، معلومات کلی و شناخت‌های قبلی و یا تجارب پژوهشگر یا دستاوردها و نتایج پژوهش‌های مشابه به دست آمده است. پاسخ اولیه‌ای است که قطعیت ندارد و باید در جریان پژوهش با توجه به شواهد آزموده شود. اگر در جریان آزمودن فرضیه به نتایجی مغایر آن برسیم باید فرضیه را تغییر دهیم.

از فرانسیس بیکن نقل شده است: ما باید نه مانند عنکبوت باشیم که از درون خود می‌تند و نه چون مورچه که فقط به گردآوری اشیاء می‌پردازد، بلکه باید از زنبور سرمشق بگیریم که هم گردآوری و هم تنظیم می‌کند.<sup>۲۶</sup>

ویژگیهای یک فرضیه خوب:

- مفهومی روشن و غیر مبهم داشته باشد
- مفاهیم و متغیرهایی که در آن به کار رفته است، دارای مصادیق عینی و تجربی باشند
- مشخص و دقیق باشد و رعایت اختصار را بکند
- قابل آزمایش باشد و بتوان آن را به وسیله ابزار و روشهای موجود سنجید
- احتمال منطقی داشته باشد و منصفانه و معقول و باور کردنی باشد
- معنی دار باشد و در ارتباط با مسئله مطرح شده قرار گرفته و مفید باشد

<sup>۲۵</sup> علی دلاور، مبانی نظری و عملی پژوهش، ص ۸۷

<sup>۲۶</sup> برتراند راسل، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندری، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۰، جلد سوم، ص ۹۵.

### اهمیت فرضیه

- فرضیه محک آزمودن نظریه است
- فرضیه قابل سنجش است و می‌توان درستی یا نادرستی آن را اثبات کرد
- فرضیه موجب تکامل و توسعه است و امکان رد و اثبات روابط بین پدیده‌ها را فراهم می‌آورد.
- فرضیه هدف و راهنمای پژوهشگر است

### نقش فرضیه در پژوهش

بدون شک فرضیه ابزار نیرومند و با اهمیت یک پژوهش علمی است که پژوهشگر به کمک آن به جستجوی یک تبیین می‌پردازد. آری و همکارانش (۱۹۷۲) چهار هدف برای صورت‌بندی فرضیه ذکر کرده‌اند:

(۱) فرضیه برای پدیده‌ها تبیین آزمایشی فراهم می‌آورد و موجب افزایش معرفت علمی می‌شود. برای دستیابی به معرفت پایدار دربارهٔ مسائل انسانی، باید از گردآوری صرف واقعیتهای مجرد فراتر رفت و در صدد تعمیم روابط موجود بین واقعیتهای بود. به کمک تعمیم روابط متقابل می‌توان الگوی مفیدی برای درک مسئله پژوهشی به دست آورد. بنابراین می‌توان چنین گفت که فرضیه‌ها ابزار نیرومندی هستند که موجب پویایی علم می‌شوند، زیرا دانشمند را قادر می‌سازند تا از خودش فراتر رود. فرضیه‌ها محصول ذهن آدمی هستند، و صحت و سقم آنها را می‌توان از ارزشها و باورها آزمود.

(۲) فرضیه جمله‌ای است که به صورت ربطی بیان می‌شود و به توصیف رابطه بین متغیرها می‌پردازد. به عبارت دیگر فرضیه نشانگر انتظار پژوهشگر دربارهٔ رابطه بین متغیرهای یک پدیده است. باید توجه داشت که واقعیتهای (متغیرها) به طور مجرد و مجزا آزمون نمی‌شوند بلکه رابطه میان آنهاست که به بوتهٔ آزمایش گذاشته می‌شود.

(۳) فرضیه مجموعهٔ فعالیتهای اجرایی پژوهش را تعیین می‌کند. فرضیه معرف یک هدف اختصاصی است و به همین دلیل، ماهیت داده‌های مورد نیاز را که باید انتخاب کند و نوع مشاهداتی را که باید انجام دهد از طریق آن تعیین کند. فرضیه است که مربوط بودن یا نامربوط بودن واقعیتهای را معین می‌کند. فرضیه‌ها اساس و پایهٔ نمونه‌گیری و طرحی را که باید مورد استفاده قرار گیرد، تعیین می‌کنند. آزمونهای آماری به کمک فرضیه انتخاب می‌شوند. باید توجه داشت که بدون داشتن یک فرضیه می‌توان اطلاعات را گردآوری کرد، اما این جمع‌آوری موجب اتلاف وقت و سرانجام بدون پاسخ ماندن سؤال پژوهشی می‌شود. از آنجا که گردآوری اطلاعات پرخرجترین و در عین حال دشوارترین فعالیت پژوهشی است، به همین دلیل به منظور صرفه جویی در زمان و منابع مالی و انسانی، این فعالیت به کمک فرضیه و با راهنمایی آن انجام می‌شود.

(۴) فرضیه چهارچوبی برای گزارش نتایج فراهم می‌آورد. در هر پژوهش می‌توان فرضیه‌ای را به صورت مجزا انتخاب کرد و مورد آزمون قرار داد و سرانجام نتایجی از آن استخراج و گزارش کرد. پس در یک

ارزشیابی نهایی، فرضیه‌ها از مزایای مهمی برخوردارند، زیرا هدایت پژوهش را به عهده دارند. پژوهشگری که یک رابطه را بدون فرضیه و زمینه نظری آن مطرح می‌سازد، به واقعیتها فرصت نمی‌دهد تا در معرض اثبات یا رد قرار گیرند. البته لازم به یادآوری است که واژه‌های اثبات و رد در روش‌شناسی علمی به معنای متداول ادبی به کار نمی‌روند. این نکته را باید به خاطر داشته باشیم که هرگز نمی‌توان یک فرضیه را اثبات یا رد کرد. کرلینجر می‌گوید:

ممکن است این نکته عجیب باشد که علم هرگز نمی‌تواند یک فرضیه را که بر اساس یک پژوهش تجربی شکل گرفته است اثبات کند، چرا که پژوهش ممکن است سودار باشد. بهترین کاری که می‌توان انجام داد آن است که مدارک تجربی بسیاری را گردآوری کنیم، مدارکی که همگی فرضیه مورد نظر ما را تأیید می‌کنند و یا با آن همسان هستند...

نکته اساسی در این است که هدف فرضیه، بررسی مستقیم پدیده‌هاست. اگر قرار باشد که از پژوهش نتیجه علمی گرفته شود، باید تمام مشاهدات چه مخالف و چه موافق در نتیجه‌گیری به کار برده شوند. گاهی اوقات گفته می‌شود که فرضیه‌ها همانند زنجیری هستند که پژوهشگر به دست و پای خود می‌بندد و قدرت تخیل را محدود می‌کند. چنین اظهار نظرهایی گمراه کننده‌اند. فرضیه نیرومندترین ابزاری است که بشر برای کسب معرفت و آگاهی قابل اعتماد، ابداع کرده است. پژوهشگر پدیده‌ای را مشاهده می‌کند و درباره علت‌های ممکن آن به گمانه‌زنی می‌پردازد. به‌طور طبیعی فرهنگ وی جهت توجیه بیشتر پدیده‌ها، مجموعه‌ای از پاسخها را دربردارد که برخی درست و برخی دیگر نادرست و برخی آمیزه‌ای از حقیقت و خرافات و برخی اسطوره نابند. وظیفه پژوهشگر آن است که به اکثر تبیینهای مربوط به پدیده‌های محیط زندگی‌اش شک کند. از آن جا که شک وی نظام‌دار است، موجب می‌شود که او فرضیه یا فرضیه‌هایی برای تبیین فراهم آورد. برای نیل به این هدف باید تبیینها را چنان صورت‌بندی کند که از طریق امکانات موجود بتوان آنها را به‌بوته آزمایش گذاشت. تبیینی که نتوان آن را به صورت یک فرضیه آزمون پذیر صورت‌بندی کرد، یک تبیین متافیزیکی است.<sup>۲۷</sup>

### انواع فرضیه

فرضیه‌ها را در تقسیم‌بندی‌های گوناگون گاهی به (فرضیه تحلیلی و فرضیه توصیفی) و گاهی (فرضیه تحقیقی و فرضیه آماری) تقسیم کرده‌اند. در واقع هردوی این تقسیم‌بندی‌ها بر اساس جستجو یا عدم جستجوی رابطه بین متغیرها صورت گرفته است. در فرضیه آماری و فرضیه توصیفی رابطه بین متغیرها جستجو نمی‌شود. در فرضیه آماری که جملات

<sup>۲۷</sup> علی دلاور، مبانی نظری و عملی پژوهش، ص. ۸۹ و ۹۰.

و عبارات با استفاده از نمادهای آماری و به صورت پارامتر نوشته می‌شوند، هدف هدایت پژوهشگر در انتخاب آزمون آماری است. کاربرد این روش در پژوهشهای علوم اجتماعی کاربرد فراوانی دارد.

### متغیر چیست؟

شرایط یا خصوصیتی هستند که پژوهشگر آنها را دستکاری، هدایت یا مشاهده می‌کند.

### ساخت فرضیه

(۱) روش تحلیلی (روش استقرائی و روش قیاسی)

- آزمودن و طبقه‌بندی اطلاعات در دسترس

- جستجو برای یافتن رابطه بین متغیرها و عوامل تشکیل دهنده هر طبقه

- طرح استدلال منطقی

- تعیین مفاهیم اصلی

- بیان فرضیه

(۲) شیوه حدسی و کشف سریع و به یکباره ارتباط بین دانسته‌ها و تجارب

با پاسخ به پرسشهای زیر فرضیه یا راه حل موقتی مسئله خود را بسنجید.

ردیف	شرح سؤال	بلی	خیر	ملاحظات
۱	آیا فرضیه قدرت سنجش و تبیین حقایق را دارد؟			
۲	آیا نتیجه حاصل از آزمون فرضیه پاسخ مسأله را خواهد داد؟			
۳	آیا از تداخل مسائل و فرضیه‌های دیگر در آن جلوگیری شده است؟			
۴	آیا صورت فرضیه ساده و قابل فهم است؟			
۵	آیا فرضیه قابلیت آزمون‌پذیری را دارد؟			
۶	آیا مفاهیم و متغیرهای فرضیه تبدیل به تعاریف عملیاتی شده است؟			
۷	آیا فرضیه با حقایق و قوانین مسلم علمی مغایرت ندارد؟			
۸	آیا از کاربرد واژه‌ها و مفاهیم ارزشی پرهیز شده است؟			
۹	آیا فرضیه به صورت جمله خبری بیان شده است؟			
۱۰	آیا واژه‌ها و اصطلاحات اختصاصی تعریف شده است؟			
۱۱	آیا تمام فرضیه‌های مورد نیاز تحقیق تدوین شده است؟			
۱۲	آیا فرضیه‌های تدوین شده در راستای تحقیق قرار داشته و با یکدیگر هماهنگی دارد؟			

## روشهای پژوهش

- ۱) **روش تاریخی**، در این روش پژوهشگر درباره موضوعی که در یک برهه یا برهه‌های تاریخی پیوسته و ناپیوسته رخ داده‌است، از راه گردآوری اطلاعات، ارزیابی درستی و نادرستی مدارک، آمیزش نتایج بر اساس منطق و استدلال، خصوصیات عام و مشترک را کشف می‌کند و سپس با پژوهشی دقیق به تدوین منظم و عینی دستاوردها می‌پردازد. از اشکالاتی که بر این روش گرفته‌اند یکی عدم قابلیت پیش‌بینی است. زیرا نمی‌توان بر اساس رویدادهای گذشته که خارج از هرگونه مهار و برنامه رخ داده‌اند به پیش‌بینی پرداخت. از سویی پژوهشگر تاریخ همواره در جوی مه‌آلود و مبهم به کنارهم‌نهادن قطعات گمشده یک پازل می‌پردازد و به ناگزیر متکی بر استنباطهای ذهنی خود خواهد شد. عدم مهار و دستکاری متغیرها برای رسیدن به نتایج متفاوت و سپس اتخاذ تصمیم برای چگونگی تأثیر رویدادها از دشواریهای این روش است. هر چند موافقین این روش این دشواریها را دال بر غیرعلمی بودن روش تاریخی نمی‌دانند.
- ۲) **پژوهش توصیفی**، در این روش پژوهشگر به توصیف عینی، واقعی و منظم یک موقعیت یا موضوع می‌پردازد بی آن که در آن دخالتی کند یا استنتاج ذهنی خود را بدان تحمیل نماید. سپس از طریق مقایسه و ارزیابی نتایج و توضیح دقیق به تدوین آنها می‌پردازد.
- ۳) **پژوهش تداومی و مقطعی**، در این روش پژوهشگر به بررسی پیشینه، اکنون و آینده بخشی یا بخشهایی از همه یک موضوع می‌پردازد و مراحل و چگونگی تغییر و تحول و تطور موضوع را در گذر زمان به دقت دنبال و نتایج را به صورت منظم و عینی ثبت می‌کند.
- ۴) **پژوهش موردی و زمینه‌ای**، در این روش نیز همانند روش پیش، ضمن بررسی تغییرات و تحولات یک بخش از موضوع به تأثیر عوامل زمینه‌ای و بستری در یک بخش از کل موضوع پرداخته شده و نتایج به طور دقیق و عینی ثبت و ضبط می‌شود.
- ۵) **پژوهش همبستگی یا همخوانی**، در این روش پژوهشگر به بررسی اندازه تغییرات و دگرگونیهای یک یا چند عامل بر اثر یک یا چند عامل دیگر می‌پردازد. سپس با دقت و ذکر تمامی مراحل پژوهش و نتایج اقدام به تدوین آنها می‌کند. به دلیل همبستگی تغییرات و تحولات عوامل متفاوت به یکدیگر این روش را همبستگی می‌نامند.
- ۶) **پژوهش علی**، پژوهشگر امکان روابط علی و معلولی را از طریق مطالعه دقیق نتایج موجود و زمینه پیشین آن بررسی می‌کند و سپس به ثبت نتایج و طرح دلایل و علتها می‌پردازد.
- ۷) **پژوهش تجربی**، در این روش پژوهشگر امکان مهار دقیق متغیرهای موضوع مورد بررسی خود را در شرایط متعارفی یا شرایط ویژه، و مقایسه هر گروه با گروه دیگر یا گروه شاهد را دارد.

۸) پژوهش نیمه تجربی، در این روش امکان مهار بخشی از متغیرها یا امکان مهار کامل همه آنها میسر نیست.

۹) پژوهش عملی، در این روش پژوهشگر در میدان عمل روشهای جدید را آزموده و مهارتها و راهحلهای جدید را به طور مستقیم در بررسی موضوعات خود به کار می‌گیرد و نتایج را برای مراحل بعدی ثبت می‌کند.

۱۰) روش کیفی، در روشهای یادشده هر چند گفته می‌شود که موضع شناخت‌شناسانه و هستی‌شناسانه پژوهشگر نباید تأثیری در روش او داشته باشد اما در حقیقت این گونه نیست. زیرا در تمام روشهای یادشده حاکمیت بی‌چون و چرای جهان‌بینی علمی برقرار است و گاه منظر بیش از حد مادی‌گرایانه علوم تجربی در آن مانع بزرگی برای رهیابی به ساحات فرامادی موضوع پژوهشها را به شمار می‌آید. روش کیفی در واقع نه برای جبران این نقیصه بلکه بیشتر برای رفع موانع و نقائص پژوهشهای کمی مطرح و به کار گرفته می‌شود. پژوهش کیفی، حوزه پژوهش میان‌رشته‌ای، ورارشته‌ای و گاه ضد رشته‌ای است که کارکردی همانند مجرای ارتباطی میان علوم انسانی و اجتماعی و علوم تجربی دارد و بی‌آن که به فراروایتی (paradigm) ویژه تعلق داشته باشد قابلیت به کارگیری در هر منظر و نگرشی را دارد. لذا تحقیق کیفی با رویکردی تفسیری - تأویلی و در عین حال طبیعت‌گرا و در پی کسب فهمی تاریخی از تجربه انسانی است. این روش هرچند در برابر روش کمی و مبتنی بر اندازه‌گیری قرار می‌گیرد اما از سنجش کمی نیز بهره می‌گیرد.<sup>۲۸</sup>

### تعیین هدف و آغاز گردآوری اطلاعات

در این مرحله پژوهشگر با تعیین هدف خود، کانون بررسیها و نقطه عطف توجه را در پژوهش خود مشخص و سپس با شناسایی متغیرهای خاص قابل اندازه‌گیری مراحل تحقیق خود را معین می‌کند. با تعیین حدود کار پژوهش و مشخص کردن سطح توقعات و انتظارات از کل مراحل و هر جزء از اجزاء و در یک ارزیابی کلی روایی، کارآمدی و مفید بودن نوع و میزان بررسیها به دست می‌آید.

در هر بخش از بررسیها به دنبال چه چیزی هستیم؟ تا چه اندازه با پژوهشهای صورت گرفته در حوزه مسئله مورد بررسی‌مان آشنایی داریم. چند کتاب، رساله، سند مکتوب و .... در خصوص موضوع و مسئله مورد بررسی ما نوشته شده است. این منابع را چگونه به دست بیاوریم؟ در این کتب و رسالات فرآیند پژوهشها چگونه است؟ آیا از نظر علمی قابل اعتماد هستند؟ چه نکات مهمی در بررسیهای گذشته از نظر

<sup>۲۸</sup> ر. ک. به: پروین پرتوی، «تحقیق کیفی در مطالعات هنری با تأکید بر شیوه‌های گردآوری داده‌ها، تحلیل محتوا و تجزیه تحلیل تطبیقی»، در: پژوهشنامه فرهنگستان هنر، شماره ۳، خرداد و تیر ۱۳۸۶، صص. ۱۰ تا ۲۳.



پژوهشگران پنهان مانده است؟ به جز منابع مکتوب از چه راههایی می‌توانیم اطلاعات خود را کسب کنیم؟ دقت این روشهای جمع‌آوری اطلاعات را چگونه مشخص کنیم؟

اصولاً روشهای جمع‌آوری اطلاعات را به دو گروه عمده روش میدانی و روش کتابخانه‌ای تقسیم می‌کنند. در روش میدانی پرسشنامه، مصاحبه، آزمون و مشاهده و ثبت دقیق آن و یا ترکیبی از همه این روشها به کار گرفته می‌شود. و در روش کتابخانه‌ای، معمولاً متون، جدولها، نقشه‌ها، و اسناد و یا ترکیبی از همه این موارد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳) یافته‌اندوزی، گردآوری یافته‌ها یا دانسته‌ها یا مطبوعات معتبر، با بررسی نظری و عملی و یادداشت برداری و نقادی یافته‌ها. در این مرحله پژوهشگر اجرای وسیع بررسی خود را می‌آغازد.

الف) بررسی، آشنایی با پژوهشهای دیگران، تحلیل دقیق کتب، مقالات. اگر نیاز به تجربه در عمل دارد آن را در آزمایشگاه یا در عمل تجربه می‌کنیم.

ب) یادداشت‌برداری، خلاصه کردن، درست کردن برگه‌دان و طبقه‌بندی....

ج) نقادی یافته‌ها

- آیا یافته‌های مورد استفاده در خور اعتمادند؟

- آیا آن یافته‌ها برای استقراء علمی کافی هستند؟

- آیا نتیجه‌گیری به شیوه‌ای منطقی صورت گرفته است؟

- توجه به جهان‌بینی صاحب اثر

## روشهای میدانی

### ۱) نمونه‌گیری

عناصر، افراد، شواهد، مدارک و آثاری که در یک مقیاس مکانی یا زمانی مورد بررسی قرار می‌گیرند خواه ناخواه از یک تعدد و کثرت مشخصی برخوردارند. همواره بررسی همه این موارد امکان‌پذیر نیست. لذا پژوهشگر باید با یک روش خاص در این مجموعه به گزینش نمونه‌هایی دارای خواص مشترک بپردازد. در روشهای پژوهش علمی به این آحاد مورد بررسی که دارای صفات مشترکی هستند و اشتراک این صفات آنها را در یک مجموعه قرار می‌دهد، جامعه آماری می‌گویند. این جامعه آماری ممکن است نقاشان یک مکتب باشند، یا مجموعه هنرمندان دارای یک سبک یا مجموعه آثار یک هنرمند.

نمونه به تعدادی از افراد یک جامعه می‌گویند که صفات آنها با صفات جامعه‌ای که بدان تعلق دارند مشابهت، تجانس و همگنی داشته باشند. مثلاً چند تابلو از دوره آبی پیکاسو، یا چند نویسنده مکتب رمانتیک، هر کدام از تابلوهای دوره آبی پیکاسو معرف این دوره خاص از آثار هنرمند است، و چند نویسنده رمانتیک که آثار ایشان کاملاً بازگو کننده اغلب خصوصیات ادبی مکتب رمانتیک است.

در انتخاب نمونه باید به این نکته توجه داشت که نمونه‌ای معرف جامعه آماری خود است که بیشترین صفات مشترک آن جامعه را داشته باشد. انتخاب نمونه به دو روش کلی صورت می‌گیرد. روش احتمالی یا تصادفی با امکان انتخاب برابر که بررسی صفات این نمونه‌ها قابلیت تعمیم دارد؛ و روش وضعی و غیراحتمالی که بررسی صفات این نمونه‌ها قابلیت تعمیم ندارد. حجم و تعداد مورد نیاز برای بررسی نمونه‌ها با توجه به حجم و اندازه جامعه، میزان تجانس و یا پراکندگی صفات آن و امکانات و تواناییها به دست می‌آید.

#### ۱-۱) روش نمونه‌گیری احتمالی

الف) روش احتمالی ساده: در این روش معمولاً جامعه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد که همگن و یکدست باشد. سه روش قرعه‌کشی، استفاده از جدول اعداد تصادفی و روش منظم در این گروه از نمونه‌گیریها قرار دارند.

در روش قرعه‌کشی پژوهشگر به هر یک از افراد جامعه آماری یک کد یا شماره اختصاص می‌دهد. البته گاهی این کار لازم نیست. مثلاً اگر بخواهیم کلیه شماره‌های یک مجله مصور منتشر شده در سی سال اخیر را بررسی کنیم کافی است شماره هر یک از مجلات را روی مهره یا پلاک، یا مقوای کوچکی یادداشت کنیم و آنها را درون کیسه یا ظرفی قرار دهیم و با برهم زدن آنها هر بار یکی را خارج کرده و شماره آن را یادداشت کنیم و سپس به درون کیسه یا ظرف برگردانیم. تا نسبت بین جامعه آماری و تعداد نمونه همواره ثابت بماند. در مورد تکرار انتخاب یک شماره آن را پوچ محسوب کرده و دوباره به جای خود برمی‌گردانیم. و این کار تا به دست آمدن تعداد نمونه کافی ادامه می‌یابد.

راه دوم استفاده از جدول اعداد تصادفی است که توسط رایانه‌ها تهیه می‌شود. این جدولها در دو جهت عمودی و افقی دارای اعدادی اتفاقی هستند و اعداد در گروههای چند رقمی و تفکیک شده در کنار هم قرار دارند. پژوهشگر پس از کدگذاری و شماره‌گذاری جامعه آماری خود به صورت چند رقمی؛ به‌طور اتفاقی در جدولها در مسیر عمودی و یا افقی حرکت کرده و اعداد کوچکتر از تعداد کل جامعه را یادداشت می‌کند. این اعداد انتخابی کد یا شماره فرد یا افراد جامعه آماری هستند که قرار است به عنوان نمونه برگزیده شوند. امروزه این کار توسط خود رایانه صورت می‌گیرد.

در روش منظم هم می‌توان با تقسیم عدد کل جامعه آماری بر تعداد نمونه به عدد ثابتی رسید و در میان کل اعداد جامعه آماری اولی را به روش تصادفی به دست آورد و سپس بقیه اعداد را با اضافه یا کم کردن عدد ثابت از اولین عدد مشخص کرد.

ب) روش احتمالی طبقه‌بندی شده: در این روش معمولاً نمونه‌گیری از جامعه‌ای انجام می‌گیرد که از همگنی و یکدستی برخوردار نیست. و جامعه آماری به زیرگروهها و بخشهای کوچکتر دارای تجانس

درون گروهی تقسیم می‌شود. لذا پژوهشگر با روش طبقه‌بندی شده به نمونه‌گیری اقدام می‌کند تا احتمال انتخاب برابری را برای همه جامعه و زیرمجموعه‌ها و بخشهای کوچکتر آن ایجاد کند.

صفات متمایز کننده افراد جامعه آماری در ابتدا مشخص می‌شود و سپس بر اساس این صفات جامعه را طبقه‌بندی می‌کنند. مثلاً کلیه آثار یک تصویرگر را، که در یک جامعه آماری قرار می‌گیرد، می‌توان بر اساس زمان اجرا، اسلوب تصویرگری، نوع مواد و مصالح، طبیعت‌گرایی یا انتزاعی بودن، رنگهای غالب و نوع ترکیب‌بندی از هم تفکیک کرد. و بر اساس این تفاوتها و تمایزات آثار را طبقه‌بندی نمود. سپس جدولی از توزیع این صفات میان افراد این جامعه آماری تهیه و سهم و نسبت درصد هر یک را مشخص کرد. و در نهایت از طریق نمونه‌گیری احتمالی ساده تعداد افراد نمونه هر طبقه را از بین کل افراد همان طبقه انتخاب کرد. سهم از کل = تعداد نمونه  $\times$  تعداد کل  $\div$  تعداد موجود

مثلاً نقاش یا تصویرگری جمعاً ۷۰۰ تابلو دارد. از میان این ۷۰۰ تابلو ۳۰۰ تای آنها با رنگ روغن، ۲۰۰ تا با گواش و ۲۰۰ تا با آکرلیک نقاشی شده‌اند. از میان کل این تابلوها قرار است که ۵۰ تابلو به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گیرد. لذا با به دست آوردن درصد هر یک از تابلوها، آن را در تعداد نمونه مورد نیاز ضرب کرده و با تقسیم بر ۱۰۰ سهم آنها را در جامعه کل تابلوهای نقاش به دست می‌آورید.

۳۰۰ تابلوی آکرلیک را بر ۷۰۰ (تعداد کل تابلوها) تقسیم نمایید. سپس آن را در تعداد نمونه (۵۰ تابلو) ضرب کنید. عدد  $21/4$  سهم تابلوهای آکرلیک است. عدد اعشاری را گرد کنید، پس باید از بین ۳۰۰ تابلوی آکرلیک ۲۱ تابلو به‌طور اتفاقی انتخاب شود. سهم سایر تابلوها هم به همین طریق محاسبه می‌شود. با گرد کردن عدد اعشاری تعداد نمونه‌های مورد نیاز از بین هر گروه از تابلوها مشخص کرده و به روش تصادفی ساده از بین هر گروه تابلو تعداد مورد نیاز برای بررسی را انتخاب کنید.

ج) روش نمونه‌گیری خوشه‌ای: در این روش نمونه‌گیری در چند مرحله پیوسته در سلسله مراتب جامعه آماری صورت می‌گیرد. مثلاً بررسی آثار تصویرگران ایرانی که نمونه‌گیری با نوعی تقسیم‌بندی مکانی همانند تقسیم بندی‌های کشوری به استان، شهرستان، منطقه، بخش، ده و ... هماهنگ می‌شود.

## ۱-۲) روش نمونه‌گیری غیر احتمالی

در این روش نمونه‌ها بر اساس رعایت بخت برابر برای انتخاب افراد نمونه عمل نمی‌شود. لذا نتایج این نوع بررسی قابلیت تعمیم ندارد. این روش هم به چند نوع قابل تقسیم است.

الف) نمونه‌گیری سهمیه‌ای: تعداد نمونه مشخص می‌شود و سپس بررسی کننده به دلخواه خود از میان جامعه نمونه را انتخاب می‌کند.

ب) نمونه‌گیری اتفاقی: همانند کاری که مصاحبه‌گران رادیو و تلویزیون انجام می‌دهند. مستقیماً به درون جامعه آماری رفته و با انتخاب محلی خاص منتظر رسیدن نمونه‌ها به آنجا می‌شوند. نتایج این نمونه‌گیری هم قابل تعمیم نیست.

ج) نمونه وضعی: پژوهشگر بر اساس تجارب خود یا دیگران گروهی از یک اجتماع را برای بررسی انتخاب می‌کند با این فرض که این گروه معرف جامعه‌ای هستند که بدان تعلق دارند.

د) نمونه موردی: در این نوع بررسی به موارد خاص پرداخته می‌شود و هنگامی قابلیت تعمیم دارد که نمونه مشابه با آن مورد یا موارد خاص بررسی شوند و نتیجه بررسیها با هم اشتراک داشته باشند.

### ابزارهای سنجش و گردآوری اطلاعات

ابزار اندازه‌گیری و مقیاسها ابزاری هستند که پژوهشگر به کمک آنها قادر است اطلاعات مورد نیاز برای پژوهش خود را گردآوری، ثبت و تبدیل به کمیات قابل بررسی نماید. از جمله این وسایل می‌توان به پرسش‌نامه‌ها و برگه‌های ثبت مشاهده و برگه‌های ثبت نتایج مطالعات (فیش مطالعاتی) اشاره کرد.

#### ۱) پرسش‌نامه

پرسش‌نامه از ابزارهای مهم گردآوری اطلاعات است که در آن مجموعه سؤالاتی مکتوب که با توجه به متغیرهای یک مسئله تنظیم شده است، درج می‌شود و پاسخگو به شکل حضوری، غیر حضوری، مستقیم و غیر مستقیم به آنها پاسخ می‌گوید. در این روش امکان جمع آوری اطلاعات در گستره‌ای بزرگ ممکن می‌شود. عناصر مهمی که در این روش دخالت دارند عبارتند از: ۱) ابزار گردآوری اطلاعات یا پرسشنامه، ۲) عوامل اجرایی ۳) برنامه ریزی و مدیریت اجرا، ۴) پاسخگویان

#### انواع سؤالات پرسشنامه

۱) سؤالات باز: پاسخگو محدود به پاسخهای از پیش آماده شده نیست و آزاد است تا هر چه در مورد پاسخ می‌داند ارائه کند. در این روش استخراج، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل داده‌ها دشوار است. معمولاً پاسخگویان رغبتی برای پاسخگویی به این نوع سؤالات ندارند. ضمناً باید به کشف اصطلاحات خاص یا به عبارتی دیگر ادبیات پاسخگو پرداخته شود؛ و همواره احتمال وجود ابهام در پاسخهای این نوع پرسشنامه‌ها وجود دارد.

۲) سؤالات بسته یا پرسشنامه منظم: پژوهشگر با استفاده از مقیاسهای عددی یا اسمی و بر اساس پاسخهای فرضی و محتمل آن را تنظیم و پاسخگو از بین پاسخها یکی را انتخاب و مشخص می‌کند. باید همواره سعی کرد تا تعداد گزینه‌ها تا حد ممکن کم باشد. گزینه‌ها طوری انتخاب شوند که حاوی تمام پاسخهای مفروض درباره سؤال مطرح شده باشد. در این روش آزادی عمل پاسخگو کاهش یافته ولی رغبت به پاسخگویی زیاد می‌شود. استخراج این نوع پرسشنامه‌ها به وسیله ماشین راحت است.

سؤالات بسته از نظر نوع تنظیم و انتخاب گزینه‌های آن به چند نوع تقسیم می‌شوند:

۱) دو گزینه‌ای، در پاسخ به سؤالات معمولاً دو پاسخ منفی یا مثبت یا دو پاسخ متفاوت درج می‌شود.

- ۲) چند گزینه‌ای، در پاسخ به سؤالات معمولاً سه تا شش پاسخ متفاوت درج می‌شود و پاسخگو از میان پاسخهای محتمل یکی را انتخاب می‌کند.
- ۳) طیفی یا درجه‌بندی (گرایش سنج یا نگرش سنج)، در این نوع گزینه‌های پاسخ به صورت طیفی درجه‌بندی می‌شود و در این طیف پاسخگو لفظ یا عدد یا درصد خاصی را از میان طیف پاسخها انتخاب و اعلام می‌کند.
- ۴) ترتیبی، در این نوع پاسخها به ترتیب در چند گزینه مرتب شده‌اند که پاسخگو آنها را از نظر ترتیب اهمیت شماره‌گذاری می‌کند.
- ۵) وزنی، پاسخگو به هر یک از گزینه‌های این نوع سؤالات رتبه یا نمره‌ای را از ۰ تا ۱۰ یا با ترتیب دیگری اختصاص می‌دهد.
- ۶) مقایسه‌ای، پاسخگو به مقایسه گزینه پرداخته و اهمیت آنها را نسبت به هم سنجیده و مشخص می‌کند.
- ۷) ترکیبی، در این نوع پرسشنامه معمولاً از ترکیبی از وضعیت‌های فوق‌الذکر استفاده می‌شود.
- ۸) تعاقبی، در این نوع از پرسشنامه سؤالات پی در پی و مرتبط با یکدیگر طرح می‌شوند.

### نکات اصلی در تنظیم پرسشنامه

- از درج سؤالات تکراری، غیر ضروری و خسته کننده پرهیز کنید.
- اصل اختصار، رسایی و سادگی واژه‌ها را رعایت کنید و در صورت نیاز واژه‌های خاص را تعریف کنید.
- دسته‌بندی معقول سؤالات مربوط به یک متغیر را با رعایت اولویتها انجام دهید.
- پرسشنامه را با سؤالات ساده‌تر آغاز و به صورت موجی سؤالات ساده و دشوار را در پی هم قرار دهید.
- برای رفع ابهام احتمالی راهنمایی را به پرسشنامه الصاق کنید.
- برای درج مشخصات پاسخگو محلی را در پرسشنامه مشخص کنید.
- طی برگزاری و حتی قبل از شروع برای پاسخگویان و مجریان طرح اهداف، مقاصد، اهمیت، میزان تأثیر در جامعه، بی‌ضرر بودن از حیث امنیت اجتماعی و حقوقی فرد پاسخ دهنده را برایشان شرح دهید. با رعایت تواضع و ادب و حتی با دادن هدیه‌ای در خور انگیزه پاسخگویی پاسخگویان را افزایش دهید.
- اطلاعات را محرمانه تلقی کنید.
- سعی کنید پرسشها حساسیت‌زا نباشد.
- از جهت‌دهی و هدایت پاسخگو خودداری کنید.
- سؤالات کلیدی را در وسط پرسشنامه تعبیه کنید.
- پرسشنامه را طوری طراحی کنید که امکان بررسی با رایانه را داشته باشد.
- پرسشنامه را از نظر ظاهری زیبا و جذاب طراحی کنید

پیش از اجرا، سؤالات و نحوه طراحی آنها را با متخصصین بررسی کنید و اصلاحات و نقادی آنها را بپذیرید.

یک یا چند بار پرسشنامه را امتحان کنید. در صورت توفیق آن را تکثیر و به روش برنامه‌ریزی شده اجرا کنید.

هماهنگی لازم با بخشهای ذی‌ربط را در اداره مجموعه‌ای که قرار است در آن پرسشنامه را اجرا کنید، انجام دهید.

عوامل اجرایی پرسشنامه نقشی مهم در اجرای صحیح آن دارند. پس باید از میان افرادی برگزیده شوند که دارای تحصیلات کافی، تجربه مفید، زیرکی و هوشمندی برای رفع مشکلات احتمالی، سرعت عمل، داشتن روابط عمومی خوب، آداب‌دان و مراعی اصول و آداب فرهنگی مطابق با محیط اجرا، آشنا و آموزش دیده در خصوص مفاهیم اولیه و اهداف و روش اجرا باشند.

#### برنامه‌ریزی و اجرای پرسشنامه

پس از نمونه‌گیری از جامعه مورد بررسی، پرسشگران را با شرایط لازم انتخاب و تعیین کنید. سازمان‌دهی افراد و تقسیم وظایف هر فرد و گروه و تعیین نقش سرگروهها و نوع روابط سازمانی آنها بسیار مهم است. آموزش افراد در نحوه اجرا تأثیری مستقیم دارد. لذا همه افراد را با توجه به وظایفشان آموزش دهید. امکانات لازم برای اجرای پرسشنامه مانند وسایل کار، حمل و نقل، ارتباطی و رفاهی را تهیه کنید. روشهای اجرای پرسشنامه به ۴ نوع قابل تقسیم است:

- ۱) تکمیل پرسشنامه توسط پرسشگر، که معمولاً هزینه به کارگیری افرادی برای اجرا را به همراه دارد.
- ۲) تکمیل پرسشنامه توسط پاسخگو، احتمال بروز خطا و ابهام و یا عدم پاسخگویی کامل وجود دارد.
- ۳) تکمیل پرسشنامه از طریق وسایل ارتباطی مانند تلفن، فاکس، ارتباط مستقیم توسط شبکه اینترنت....
- ۴) تکمیل پرسشنامه از طریق ارسال با پست، و یا پست الکترونیک، که باید در هر یک از موارد فوق تمهیدات لازم برای اجرای دقیق مهیا شود.

#### پاسخگو

در انتخاب نمونه‌ها در جامعه آماری دقت لازم را به کار ببندید. سعی کنید نمونه‌های شما حداکثر تجانس را در جامعه داشته باشند. شرایط و ویژگیهای ایشان را در نظر بگیرید. و از خسته کردن ایشان بپرهیزید. معمولاً تمایلات و تعصبات پاسخگویان در نوع پاسخگویی اثر می‌گذارد. بعضاً رفتار خاصی بر سایر رفتارهایشان هاله می‌افکند. و تمایل به استفاده از حد متوسط مقیاسها و نیز بروز اشتباه در ثبت داده‌ها موجب می‌شود روایی و اعتبار پرسشنامه پایین بیاید.

## ۲) برگه ثبت مشاهده

مشاهده مستقیم یک پدیده توسط پژوهشگر چنانچه با دقت و معیار صحیح صورت بگیرد، از معتبرترین و مهمترین روشهایی است که یک پژوهشگر می‌تواند اطلاعات مورد نیاز خود را به دست بیاورد. برای مثال می‌توانیم به ثبت اطلاعات و مشاهدات اشیاء موزه‌ای اشاره کنیم. هنرپژوه با در نظر گرفتن جامعه آماری خود از بین انواع آثار در یک یا چند موزه و طبقه‌بندی نوع آنها و اطلاعات مورد نیاز خود در یک مشاهده، اقدام به تهیه برگه ثبت مشاهده می‌کند. در این برگه با توجه به تحلیل مسئله مورد بررسی و تقسیم بندی یا طبقه‌بندی اجزاء مسئله، موارد مورد نیاز استخراج می‌شود. سپس با مشخص کردن نوع مشاهده و شرایط و ابزار مورد نیاز و مراحل انجام کار برگه‌ای از سؤالات مختلف تنظیم می‌شود. سپس با مراجعه به مکان مشاهده کار ثبت آن در برگه‌ها آغاز می‌گردد.

مثلاً در یک بررسی پژوهشگری نیاز دارد آثار نگارگری در چند موزه را که به مکاتب و ادوار گوناگونی تعلق دارد، از نظر تقسیم‌بندی هندسی سطح هر اثر و ابعاد و اندازه کلی و تعداد عناصر به کار گرفته شده در آنها مشاهده و نتیجه مشاهده را ثبت کند. او با در نظر گرفتن ادوار تاریخی، مکتب نگارگری و شاخصه‌ها و شناسه‌های هر مکتب و دوره، اندازه آثار و تقسیم فضای اثر با استفاده از ابعاد خاص هندسی و مکان قرارگیری عناصر، جا و مکان نگاهداری آثار، نحوه دسترسی به آنها، اصلی و بدلی بودن و ..... برگه ثبت مشاهده‌ای را تنظیم می‌کند. سپس با برنامه‌ریزی زمانی برای انجام مشاهده و انجام هماهنگی‌های لازم به مکانهای قرارگیری نمونه‌های مورد مشاهده خود مراجعه می‌کند و به ثبت مشاهدات می‌پردازد.

## انواع روشهای مشاهده

الف) طرحهای مشاهده مهار نشده: به آن روش سطحی یا ساده هم می‌گویند. پژوهشگر ناظر بر وقایع و رخدادها است و آنچه که مرتبط با هدف پژوهش اوست را ثبت می‌کند. در این روش داشتن یا نداشتن طرح پیش اندیشیده و اتفاقی یا غیر اتفاقی بودن مشاهده آن را به دو گروه تقسیم می‌کند. عدم مهار و هدایت پدیده مورد مشاهده و شرایط محیطی آن باعث می‌شود این نوع مشاهده را مهار نشده بنامیم.

ب) طرحهای مشاهده منظم و سازمان یافته: در این روش شرایط زمانی و مکانی و نوع مشاهده، ابزار مشاهده و طبقه بندی اطلاعات مورد نیاز همگی از پیش طراحی و پیش بینی شده است.

ج) طرح مشاهده مشارکتی: در این نوع مشاهده، پژوهشگر در محیط مشاهده قرار می‌گیرد و با جذب شدن در محیط به عنوان عضوی از اعضای آنها در می‌آید. مثلاً پژوهشگری که برای ثبت نغمه‌ها و آواهای محلی در یک جامعه کوچ‌نشین عشایری، به مدت طولانی در مکان استقرار آنها سکنی گزیده و با همراهی و همگونی با آنها به مشاهده درونی بپردازد.

(د) طرح مشاهده غیر مشارکتی: برخلاف روش قبلی دارای عمق و اساس نیست و صرفاً در حد یک مشاهده سطحی باقی می‌ماند.

(ه) طرح مشاهده فردی: مشاهده توسط یک نفر انجام می‌شود و احتمال خطا و اشتباه وجود دارد.

(و) طرح مشاهده گروهی: مشاهد توسط چند نفر یا چند گروه انجام می‌شود. معمولاً خطای ناشی از عدم ثبت یک یا چند مورد توسط سایر مشاهده کنندگان جبران می‌شود.

(ز) طرح مشاهده علنی: پژوهشگر به صورت رسمی و آشکار در محیط مشاهده حضور می‌یابد و به ثبت مشاهده می‌پردازد. چنانچه مورد مشاهده انسان و یا موجودات جاندار باشند تغییر رفتار ناشی از حضور مشاهده‌گر ارزش و روایی مشاهده را کم می‌کند.

(ح) طرح مشاهده غیر علنی: حضور غیر رسمی یا غیر آشکار مشاهده‌گر در یک محیط و یا استفاده از ابزار مشاهده پنهان مانند دوربینهای مخفی و یا آینه‌های ویژه و .... هر چند تغییر رفتاری ممکن است ایجاد نشود لیکن در مواردی که انسانها مورد مشاهده واقع می‌شوند، امکان عکس‌العمل‌های شدید و عدم همکاری یا حتی برخورد و مقاومت بسیار زیاد است. لذا باید تدابیر لازم در این موارد اندیشیده شود.

### انجام مشاهده

هماهنگی و جلب رضایت مشاهده‌شوندگان، دقت در ثبت به موقع، پرهیز از تعصبات و تمایلات شخصی، استفاده از ابزار مشاهده دقیق، بازبینی نتایج مشاهده و رفع کاستیها، ثبت موانع و مشکلات و رفع آنها در در مشاهدات بعدی، آزمودن روایی مشاهده، ثبت وقایع و رخدادها و غیر معمول که شرایط محیط مشاهده را تغییر می‌دهند و صبوری و تحمل شدائد و مشکلات ناشی از حضور در محیطهای مشاهده از جمله مواردی است که یک پژوهشگر باید در انجام یک مشاهده صحیح در نظر بگیرد.

### نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری مستلزم واریسی، رده بندی و بازنگری است

الف) واریسی، تحلیل یادداشتها و ایجاد فرضیه

مطالعه انتقادی و تفضیلی برای وصول به انطباق حقیقت

ب) رده‌بندی، یافته‌ها به ترتیب منطقی رده‌بندی می‌شوند

اگر نتیجه پژوهش عام باشد، منجر به قانون علمی می‌شود.

اگر ترکیبی نظری از قوانین علمی باشد، نگرش یا نظریه به دست می‌آید.

ج) بازنگری، بازنگری کلی جریان پژوهش و رفع اشکالات

اصلاح کاستیها و ارائه راه نهایی برای پژوهندگان بعدی



بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات، طبقه‌بندی و رده‌بندی آنها، مطالعه انتقادی روشهای جمع‌آوری اطلاعات برای ارزیابی صحت و سقم نتایج و عدم دخالت اغراض و امیال شخصی در تعبیر و تفسیر نتایج از جمله نکات مهمی است که پژوهشگر در پایان یک پژوهش باید مورد نظر قرار دهد.

### تنظیم و تدوین یک گزارش تحقیق، پژوهشنامه یا رساله دانشگاهی

گزارش نهایی یک پژوهش در قالب پایان‌نامه یا پژوهشنامه از اهمیت خاصی در انتهای هر پژوهشی دارد. زیرا ثمره تلاش و کوشش پژوهشگر است که مورد ملاحظه مخاطبین واقع می‌شود. لذا تنظیم این گزارش باید با دقت و رعایت برخی قواعد صورت پذیرد.

عناصر و ساختار گزارش پژوهش:

الف) مقدمات:

۱) جلد؛ ۲) صفحه بسمله؛ ۳) صفحه عنوان [نمونه مقبول هر دانشگاه یا مؤسسه پژوهشی معمولاً توسط بخشهای آموزش یا پژوهش آن مجموعه ارائه می‌شود. برای مثال دانشگاه هنر دستورالعملی را جهت تنظیم پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد تهیه کرده است که به ضمیمه این جزوه ارائه می‌شود.؛ ۴) صفحه تقدیم و تشکر؛ ۵) صفحه تأییدها [معمولاً برای ثبت تأیید اداره آموزش و یا نقد و نظر اساتید راهنما، مشاور و داوران و یا صورت جلسه دفاعیه در نظر گرفته می‌شود.؛ ۶) پیشگفتار؛ ۷) چکیده مطالب به زبان اصلی. در این چکیده به طور کاملاً خلاصه سوابق پژوهشی، مسئله پژوهش، فرضیه‌ها، چگونگی روش تحقیق، نتایج و نظریه حداکثر در یک صفحه متشکل از ۱۰۰ تا ۲۰۰ کلمه درج می‌شود.

ب) فهرستها که شامل: ۱) فهرست مطالب؛ ۲) فهرست جداول، نمودارها، نقشه‌ها، عکسها و... است. فهرست معمولاً شامل فصلها، بخشها و عناوین جزئی و کلی است، که به ترتیب با ذکر شماره صفحه درج می‌شود.

برای ترتیب فهرست از روشهای متعددی استفاده می‌شود. یک روش معمول استفاده از اعداد است. نمونه زیر را مشاهده فرمائید:

(۱)

(۱-۱)

(۲-۱)

(۱-۲-۱)

(۲-۲-۱)

(۳-۲-۱)

فصل اول:

بخش نخست:

(۱) .....

(۲) .....

بخش دوم:

بخش سوم:

فصل دوم:

بخش نخست:

بخش دوم:

ج) متن که شامل:

(۱) مقدمه؛ مقدمه به صورت خلاصه متن گزارش پژوهش یا پایان‌نامه است، که با مطالعه آن می‌توان تقریباً از گزارش پژوهش اطلاع حاصل کرد. مقدمه از متن بسیار کمتر و از چکیده مفصلتر است.

(۲) روش تحقیق؛ بهتر است در یک فصل مستقل تنظیم شود. محتوای این فصل شامل: بیان مسئله تحقیق، تحلیل مسئله و سوالات فرعی و خاص، فرضیه یا فرضیات، معرفی جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه، روش گردآوری اطلاعات و ابزارهای مربوط به آن، روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابزارهای مورد استفاده، برنامه‌ریزی اجرای طرح و امکانات مورد نیاز و مشکلات و مسائل مسیر انجام پژوهش است.

(۳) واژه‌شناسی و ادبیات بحث، مباحث نظری و سوابق پژوهشی موضوع؛ در این فصل می‌توان مباحث نظری، قوانین و نظریات علمی، و پایه‌های استدلال و نحوه استدلال منطقی، مدلها و الگوهای نظری بحث، مفاهیم تخصصی پذیرفته شده و رایج در رشته تخصصی و مفاهیم اختصاصی مورد استفاده پژوهشگر، سوابق پژوهشی و کارهای سایر پژوهشگران، چکیده یا احیاناً نقد و بررسی آن پژوهشها را قرار داد.

(۴) بیان داده‌ها و اطلاعات؛ تنه اصلی گزارش تحقیق این قسمت است و همه اطلاعات و داده‌های گردآوری شده در آن جای می‌گیرد. معمولاً از یک تا چند فصل و هر فصل نیز از دو یا چند بخش تشکیل می‌شود. ممکن است در هر بخش نیاز به تقسیم‌بندی موضوعی به عنوان زیر بخشها باشد. ترکیب کلی این قسمت بستگی به نوع پژوهش دارد.

(۵) تجزیه و تحلیل داده‌ها و استنتاج؛ در این فصل مستقل، پژوهشگر با توجه به الگوی نظری، اهداف، مسائل و فرضیات خود، اطلاعات و داده‌ها را به هم مرتبط می‌سازد. و با پرداختن منطقی به نتیجه‌گیری از مراحل انجام کار و ارتباط آنها می‌پردازد. و سرانجام به ارزیابی فرضیه‌ها و نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها اقدام و بیانیه علمی خود را در پاسخ به مسئله تحقیق صادر می‌کند.

۶) پیشنهادها؛ پژوهشگر باید پیشنهادهای خود را با توجه به نوع تحقیق در فصل مستقلی مطرح سازد. مثلاً به دشواریها و کاستیها و موانع کار اشاره کند و راه حل یا روشهای جدیدتر رفع موانع را پیشنهاد کند.

د) کتابنامه شامل: ۱) کتب (فارسی، عربی، لاتین) ۲) مقالات (فارسی، عربی، لاتین).

ه) پیوستها شامل: ۱) طرح تحقیق؛ ۲) پرسشنامه یا ابزار گردآوری اطلاعات؛ ۳) نقشه‌ها و تصاویر خارج از متن؛ ۴) اسناد و مدارک؛ ۵) داده‌ها و گزارشهای تفصیلی آماری و رایانه‌ای؛ ۶) چکیده به زبانهای خارجی Abstract، ۷) سایر موارد برحسب نوع پژوهش.

### نگارش و ویرایش

رعایت نکات نگارشی و ویرایشی نوشته پژوهشگر را که حاصل همه کوششهای اوست، به صورتی زیبا روان و قابل فهم پیش روی خواننده می‌گذارد. [برای به‌کارگیری شیوه صحیح دستور خط فارسی به کتابچه‌ای به همین نام که منتشر و مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی است، رجوع فرمایید.<sup>۲۹</sup> همچنین کتاب غلط ننویسیم، نوشته ابوالحسن نجفی از کتب مرجع و مهمی است که به این مقوله پرداخته است.]

پاره‌ای از علائم سجاوندی که به طور معمول در نوشته‌ها به کار گرفته می‌شود به این ترتیب است:

- . نقطه، علامت پایان یافتن یک جمله کامل است.
- : علامت شرح و تفصیل مطلب است.
- ... سه نقطه، علامت حذف برخی مطالب غیر لازم است.
- ، نشانه درنگی کوتاه است. در انتهای جملات فرعی در یک جمله بلند به کار می‌رود.
- ؛ علامت وقف، نشان پایان یافتن جمله و کامل نشدن آن است.
- ؟ نشان پرسش است.
- ! نشان تأکید، تعجب، تحسین، تهدید و امر است.
- « » نشان نقل قول از دیگران و یا اهمیت جمله است.
- ( ) نشان معادل بودن مضمون داخل آن با عبارت قبلی است.
- [ ] علامت الحاق، نشان افزودگی کلمه یا کلمات دیگر است.
- خط فاصله، نشان تفکیک و قطع مطلب است لکن به صورت جمله فرعی و معترضه.
- خط ممتد، نشان اهمیت مطلب و جلب توجه به آن است.
- / نشان اعشار در ریاضی و یا حالت دیگر در نوشته‌هاست.
- ← نشان ارجاع است.

<sup>۲۹</sup> در پیوست این جزوه ارائه می‌شود.

## شیوه استفاده از آثار دیگران و اشاره بدانها

پژوهشگر به ناچار در نوشته خود از آثار دیگران بهره‌برداری می‌کند. برای حفظ حقوق سایر مؤلفین و پژوهشگران رعایت آداب خاص آن ضروری است. نوع منابع مورد مراجعه پژوهشگر ممکن است به صورت مکتوب و غیر مکتوب باشد. معمولاً برخی از مؤلفین یا ناشران شرایط خاصی را برای استفاده از اثر را در صفحات نخستین آثار مکتوب و یا در مکان خاصی از آثار غیر مکتوب همانند جلد نوارهای صوتی و تصویری و یا سایر رسانه‌ها درج می‌کنند. رعایت آن شرایط همانند نام بردن از منبع و مأخذ یا کسب اجازه کتبی برای نقل قول به عنوان یک اصل در کار علمی تلقی می‌شود. این عمل به منزله استناد به اسناد و شواهد محکم، نشانگر آگاهی پژوهشگر از نتایج کار دیگران، احترام به حقوق دیگران، ادای دین و داشتن اخلاق علمی و گرامیداشت روش علمی است.

در این موارد ذکر مشخصات منبع و مأخذ ضروری است:

- نقل قولها، اعم از مستقیم یا غیرمستقیم.
  - جداول و آمارهای بین متن
  - شکلها و پیکره‌ها، نظیر نقشه، نمودار، طرح و تصویر
  - وقایع و رخدادها
  - اظهارات شفاهی و کتبی افراد
  - تعریف مفاهیم و اصطلاحات
  - قضایا و گزاره‌های کلی نظیر قوانین و حقایق علمی، مدلها و نظریه‌ها
- نقل قول مستقیم، عبارت است از انتقال بخشی از متن یا نوشته، منبع یا اثر مورد نظر بدون کم و کاست. در صورت وجود نقص باید اصلاحات را در میان [ ] دو قلاب قرار داد. در جملات کوتاه که معمولاً از چند کلمه تا یک بند تشکیل می‌شوند، جمله منقول را در داخل « » قرار دهید. و اگر جمله بلند و یا متشکل از چند بند بود آن را در فضایی خاص با طول سطری کوتاه‌تر از طول سطر متن قرار دهید. در انتهای آخرین حرف جمله (بالا و سمت چپ) علامت یا عددی قرار دهید، که نشانه ارجاع است. سپس در پاورقی مشخصات منبع و مأخذ را ذکر کنید.
- نقل قول غیر مستقیم، عین مطلب ذکر نمی‌شود بلکه محتوا و مفهومی از آن در قالب شیوه یا سبک نوشتاری پژوهشگر به تحریر در می‌آید.
- در نقل قول از طریق ترجمه یک مطلب از زبانی دیگر به زبان پژوهشگر، چه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، لازم است در پاورقی منبع و مأخذ درج شود. گاهی برخی از جملات را در پاورقی به عنوان شاهد می‌آورند. در متون طولانیتر در حد یک تا چند صفحه، عین متن به زبان دیگر در ضامم آورده می‌شود.

نحوه نوشتن ارجاع در پاورقی به شرح زیر است:

۱. مقاله‌ها:

\* نام خانوادگی و نام پدید آورنده یا نویسندگان، نام یا عنوان مقاله، نام مترجم یا مترجمان، نام مجله، دوره یا سال، شماره مجله، تاریخ، شماره صفحه. [نام مجله یا با حروف ایرانیک/ایتالیک یا به صورت زیرخط دار و یا حروف سیاه باشد]

۲. کتابها:

\* نام خانوادگی و نام پدید آورنده یا نویسندگان، نام یا عنوان کتاب، نام مترجم یا مترجمان، (عنوان سلسله انتشارات و شماره آن)، شماره جلد، شهر محل انتشار، ناشر، نوبت چاپ، سال انتشار، شماره صفحه. [نام کتاب یا با حروف ایرانیک/ایتالیک یا به صورت زیرخط دار و یا حروف سیاه باشد]

۳. نشریه‌ها:

\* نام مؤسسه، عنوان نشریه، شماره نشریه، تاریخ نشر، محل انتشار، شماره صفحه. [نام نشریه یا با حروف ایرانیک/ایتالیک یا به صورت زیرخط دار و یا حروف سیاه باشد]

۴. پایان نامه‌های تحصیلی:

\* نام خانوادگی و نام پدید آورنده یا نویسندگان، نام یا عنوان رساله یا گزارش، نام ناظر یا استاد راهنما، وضعیت گزارش از حیث انتشار یا عدم انتشار، مقطع تحصیلی، نام دانشگاه یا مؤسسه مجری تحقیق، محل مؤسسه، سال انجام تحقیق، شماره صفحه.

۵. جزوه‌های درسی:

\* نام خانوادگی و نام پدید آورنده یا نویسندگان، نام یا عنوان جزوه، وضعیت انتشار، نام دانشکده یا دانشگاه مربوط، محل آن، سال انتشار، شماره صفحه.

۶. یادداشتهای درسی در کلاس:

\* نام خانوادگی و نام استاد، عنوان درس، مقطع، نام دانشکده یا دانشگاه، تاریخ.

۷. نامه‌ها:

\* نام و نام خانوادگی نویسنده، سمت و عنوان نویسنده، تاریخ تحریر، محل تحریر.

۸. اسناد و مدارک:

\* نام مؤسسه مربوط، نوع سند و مدرک، شماره ثبت، تاریخ تحریر، محل تحریر.

۹. اخبار رسانه‌های جمعی:

\* نام و عنوان رسانه، ساعت پخش خبر، روز پخش خبر.

۱۰. مصاحبه‌ها:

\* نام خانوادگی و نام مصاحبه شونده، سمت مصاحبه شونده، نام مصاحبه گر، عنوان مصاحبه، تاریخ مصاحبه، محل مصاحبه.

۱۱. مقاله‌های چاپ نشده سمینارها:

\* نام خانوادگی و نام نویسنده، عنوان مقاله یا تحقیق چاپ نشده، وضعیت ارائه در سمینار علمی، محل سمینار، مجری سمینار، تاریخ برگزاری سمینار.

۱۲. اینترنت:

\* مشخصات سایت مورد استفاده برای به دست آوردن اطلاعات، (تاریخ مراجعه).

\* در فهرست منابع و مآخذ یا کتابشناسی که در پایان هر گزارش آورده می‌شود، شماره صفحه حذف می‌شود.

لطفاً برای چگونگی رعایت اصول مرجع نویسی به کتاب پیوست این جزوه با مشخصات زیر مراجعه کنید: فرزانه کریمی، محمدرضا محمدی، روش مرجع نگاری، (چگونه فهرست منابع مورد استفاده در متن نوشته خود را تهیه کنیم)، تهران، مرکز تحقیقات علوم پزشکی کشور، ۱۳۸۲.

#### کتابشناسی روش تحقیق

- William C. Chittick, 'Traditional Islamic Thought and the Challenge of Scientism, *Dāneshnâme* (The Bilingual Quarterly of the Shahîd Beheshtî University), Vol. 1, No. 1, winter 2003.

- آناندا کی. کوماراسوامی، ماهیت هنر قرون وسطی، ترجمه علاءالدین طباطبایی، در: *رواق* (فصلنامه تحقیقاتی در زمینه هنر و معماری)، شماره دوم، زمستان ۷۷ و بهار ۷۸.

- ابوالحسن نجفی، *غلط ننویسیم*، (فرهنگ دشواریهای زبان فارسی)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.

- امیر حسین آریانپور، *آیین پژوهش* (پژوهش و پژوهش‌نامه)، تهران، نشر گستره، ۱۳۷۸.

- دیوید پاپینیو، مسئله استقراء، ترجمه امیر مازیار، *سروش/اندیشه*، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۰.

- رُنه گنون، *بحران دنیای متجدد*، ترجمه سید ضیاءالدین دهشیری، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۲.

- ریمون کیوی؛ لوک وان کامپنهود، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، نشر توتیا، ۱۳۸۱.

- ژیا و سل، *دائرة المعارفهای فارسی*، ترجمه محمدعلی امیرمعزی، تهران، انتشارات توس با همکاری انجمن ایرانشناسی فرانسه در تهران، ۱۳۶۸.

- سید حسین نصر، علم در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، سروش، ۱۳۶۶.
- سیدحسین نصر، معرفت و معنویت، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، دفتر نشر و پژوهش سهروردی، ۱۳۸۱.
- سیدحسین نصر، نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میاننداری، ویراسته احمدرضا جلیلی، قم، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۹.
- عزت الله نادری و مریم سیف نراقی، روشهای تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، (با تأکید بر علوم تربیتی)، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۸۱.
- علی اکبر سیف، روشهای یادگیری و مطالعه، تهران، نشر دوران، ۱۳۸۰.
- علی دلاور، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۰.
- فرزانه کریمی، محمدرضا محمدی، روش مرجع نگاری، (چگونه فهرست منابع مورد استفاده در متن نوشته خود را تهیه کنیم)، تهران، مرکز تحقیقات علوم پزشکی کشور، ۱۳۸۲.
- کارل ریموند پوپر، منطق اکتشاف علمی، ترجمه سید حسین کمالی، ویراسته عبدالکریم سروش، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
- ماندانا صدیق بهزادی، شیوهنامه ضبط اعلام انگلیسی در فارسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵.
- محمدرضا حافظنیا، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷.
- مهدی حائری یزدی، آگاهی و گواهی، ترجمه و شرح انتقادی رساله تصور و تصدیق صدرالمتهین شیرازی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰.
- مهرزاد بروجردی، روشنفکران ایرانی و غرب، ترجمه جمشید شیرازی، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۸.
- نورالله مرادی، مرجع‌شناسی، (شناخت خدمات و کتابخانه‌های مرجع)، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱.

در معرفت‌شناسی متن مسایل معرفت‌شناختی راجع به متن مورد نظر است و تحلیل مفهومی یا گستره و دسته‌بندی متون که مباحث منطق متون هستند فی نفسه مباحثی معرفت‌شناختی نیستند، ولی توجه به این سنخ از مباحث در مباحث معرفت‌شناختی راهگشا هستند و معمولاً مباحث منطقی به عنوان مقدمه‌ای بر مباحث معرفت‌شناختی بیان می‌شوند.

پیش از آنکه مباحث مهم معرفت‌شناسی متن را نام ببرم توجه به تعدادی از مسایل آن مفید است. به پرسش‌های زیر توجه کنید: معنای متن چیست؟ آیا معنای متن قابل تحویل به معانی جملات به کار رفته در آن است؟ یا نه، معنای متن با معانی جملات یکسان نیست؟ تفاوت معنای متن با فهم آن چیست؟ آیا معنای متن با محدودیت‌هایی مواجه است؟ آیا هر معنایی از متن می‌توان فهمید؟ تفاوت فهم متن با تفسیر آن در چیست؟ این پرسش‌ها تنها چند نمونه از پرسش‌هایی هستند که در معرفت‌شناسی متن مطرح می‌شوند.

این قبیل از پرسش‌ها برای کسانی که با متون دینی، ادبی، تاریخی سروکار دارند بسیار اهمیت دارد. رشته‌هایی مانند تفسیر متون دینی و ادبی، نقد ادبی همواره با نظریات خاصی در باب مسایل معرفت‌شناسی متن گره خورده‌اند و پرداختن به آنها اجتناب‌ناپذیر است. مهم‌ترین مباحث معرفت‌شناسی متن عبارتند از: بحث از چیستی معنای متن، تعیین عدم تعین معنا، فهم و تصمیم‌پذیری، تفسیر، تمییزپذیری.

#### ۱- چیستی معنای متن:

پیش از هر چیز، این نکته قابل تأمل است که معنای متن چیست؟ هر متنی معمولاً از جملات و علایمی تشکیل شده است. آیا معنای متن مجموعه‌ی معانی این جملات و علایم است یا نه، معنای متن قابل تحویل به معنای این جملات و علایم نیست؟ از این گذشته، در مورد معنای متن چه نظریه‌ای را باید اختیار کنیم؟ آیا معنای متن را باید صورت‌های ذهنی بدانیم که از جملات در ذهن داریم؟ یا نه، معنای متن را باید شرایط صدق جملات آن بدانیم؟ این دو سؤال تنها به دو نظریه در این باب اشاره دارند و نظریات بسیاری در این مورد مطرح می‌شود. در حقیقت، نظریاتی که در زبان‌شناسی و فلسفه زبان درباره‌ی سرشت معنا مطرح شده‌اند در اینجا صرفاً در مورد معنای متن مطرح می‌شوند. از میان این نظریات باید نظریه‌ای را که با تبیین معنای متن سازگار است اختیار کرد. گزینش نظریه باید با حقایقی که در مورد معنای متن در کارند تناسب داشته باشد.

#### ۲- تعین و عدم تعین معنا

پرسش دیگر که بی‌درنگ پس از اختیار نظریه‌ای درباره‌ی معنای متن پیش می‌آید این است که آیا معنای متن فی نفسه معین است یا نه، معنای متن فی نفسه معین نیست و بلکه، در پرتو عواملی دیگر، مانند شرایط خواننده یا قصد مؤلف و غیره تعین می‌یابد. در باب تعین و عدم تعین معنای متن نظریات بسیار متنوعی در کارند که هر یک پیامدهای معرفت‌شناختی خاصی دارند. مثلاً بر طبق برخی از نظریات، معنای متن فی نفسه نامتعین است و صرفاً با رجوع به قصد مؤلف تعین می‌یابد. اگر



قصد مؤلف را کشف کنیم احتمالی فهمی های مختلف، چه بسا فهمی های نادرستی در کار است. اما با آمدن پلی قصد مؤلف به میان، معنای متن تعیین می یابد و روشن می شود که کدام یک از این فهم ها فهم درست از متن است. بر طبق برخی از دیگر نظریات، معنای متن با کاربرد گره خورده است و در هر کاربرد و شرایط خاصی معنا بر حسب آن کاربرد و شرایط تعیین می یابد. به عبارت دیگر، افق مفسر، نه قصد مؤلف، به معنای متن تعیین می بخشد. نظریات بسیار متنوعی در این باره هم در هرمنوتیک معاصر و هم در مباحث فلسفه زبان و نظریات معناشناختی نوین به وفور به چشم می خورند.

### ۳- فهم و تصمیم پذیری

یکی از مهم ترین مباحث معرفت شناسی متون که مسایل زیادی پیرامون آن طرح می شود، مسأله فهم متون است. فهم امری مختص به متون نیست. ما معمولاً درباره ی فهم اشخاص و یا فهم عواطف و احساسات دیگران، فهم نظریات دیگران و فهم واقعیت ها سخن می گوئیم. در معرفت شناسی متون تنها از فهم متون و مسایل معرفت شناختی پیرامون آن بحث می شود. در همین بحث، تفاوت فهم و معنا، امکان تعدد فهم ها از نظر معرفت شناسی، دامنه ی تعدد فهم ها، محدودیت های فهم متون و مسایلی از این قبیل مطرح می شوند. مسایل پیرامون فهم متون سرشت بسیار پیچیده ای دارند، پارامترها و عوامل مختلفی باید در حل اینگونه مسایل در نظر گرفت که همه ی آنها روی هم رفته کار را برای معرفت شناس متون مشکل و پیچیده می سازند. مهم ترین بحثی که در ذیل بحث مهم متون مطرح می شود «مسأله تصمیم پذیری» است. وقتی از فهم های مختلف از متون سخن می گوئیم، بی درنگ این پرسش به ذهن خطور می کند که آیا می توان فهم های درست را از فهم های نادرست جدا کرد یا نه؟ و در صورتی که پاسخ این پرسش مثبت باشد چه ملاکی برای تفکیک فهم های درست از نادرست در کار است. این دو پرسش محور اصلی مسأله تصمیم پذیری را تشکیل می دهند و پاسخ های بسیار متفاوتی نسبت به آنها مطرح شده است. هر یک از گرایش های مختلف در معرفت شناسی و هرمنوتیک پاسخی متفاوت به این مسأله را ارائه می دهند. در بحث تصمیم پذیری این پاسخ ها مورد ارزیابی و بررسی قرار می گیرند.

گزار نیست که بگوئیم معرفت شناسی متن در دو مسأله تعین و عدم تعین معنای متن و مسأله تصمیم پذیری فهم ها خلاصه می شود. چرا که اهمیت این دو مسأله از اهمیت دیگر مسائل آن بیشتر است و این دو پربرترین مسایل برای معرفت شناس اند.

### ۴- تفسیر (۱۲) متون

مسایل پیرامون تفسیر، در مقایسه با فهم متون، ارتباط بسیار نزدیکی با متون دارند و از جهتی تنها به متون اختصاص دارند. البته ما گاهی از تفسیر چیزهایی غیر از متون نیز سخن می گوئیم. مثلاً به تفسیر حوادث سیاسی و یا تفسیر برخی از افعال و رفتارهای افراد می پردازیم ولی معمولاً مراد ما در اینگونه موارد، طرح و علل پیامدهای آنها است. این نکته را با مثالی شرح می دهیم. اگر می گوئیم تفسیر آقای الف از رفتار فرد ب نادرست است، مراد ما این است که وی انگیزه ها و عواملی که فرد ب را وادار به این رفتار خاص کرده است به خوبی در نیافته است و لذا در درک پیامدها و عواقب. این رفتار هم ناتوان است. همچنین اگر به تفسیر حادثه ای سیاسی می پردازیم، مراد این است که در علل و عوامل و نیز پیامدهای وقوع این حادثه به

کندوکاو می‌پردازیم. در نتیجه، مکالمات که در این تفسیر در حق باشیم، یعنی عوامل و پیامدهای آن را کشف نماییم و یا نه، در تفسیر خود برخطا باشیم.

گرچه تفسیر در این موارد هم به کار می‌رود ولی مراد از تفسیر متون، بحث از علل و عوامل و یا پیامدها نیست. تفسیر متون در مقوله‌ای کاملاً متفاوت می‌گنجد. در تفسیر سعی می‌شود که معنای متن مثلاً برای مخاطب فعلی روشن شود. اگر متنی هزار سال پیش نوشته شده است و انسان امروزی بخواهد معنای آن را دریابد، مجبور است که این معنا را تفسیر کند؛ یعنی آن را برای خود قابل فهم و هضم سازد. در چنین موردی پای تفسیر به معنای اخیر در میان است. همچنین، اگر بخواهیم فهم خود درباره‌ی همین متن را از مخاطبان هزار سال پیش بالاتر و فراتر ببریم و به نکات جدیدی پیرامون این متن دست یابیم، به تفسیر متوسل می‌شویم. تفسیر متون در برداشته‌های علمی و کاربردی نیز بسیار راهگشا است. ما در برخی موارد نیاز داریم که متون تاریخی را با زمان حال مرتبط سازیم و بر حوادث خاصی تطبیق نماییم و از این طریق برخی نیازهای علمی خود را برآورده سازیم، در چنین مواردی هم به تفسیر متون مورد نظر روی می‌آوریم. این امر در مورد متون دینی بسیار روشن است. متون دینی صرفاً کتاب‌های رمان و یا داستان و نقل احوال تاریخی نیستند که ما تنها جهت تفریح و یا افزایش دادن اطلاعات علمی خود به آنها رجوع نماییم، بلکه به دنبال تطبیق آنها با زمان حال هستیم و به کارکرد فعلی آنها توجه داریم. تفسیر از این جهت به متون دینی اختصاص ندارد. ما برای تطبیق متون حقوقی درموردی خاص که از زمان نگارش این متون فاصله زمانی بسیاری دارد، به تفسیر آنها می‌پردازیم.

تفسیر به این معنای اخیر که در مورد متون به کار می‌رود، سؤالات معرفت‌شناختی بسیاری را برمی‌انگیزد. تعیین ارزش صدق تفاسیر، عینیت تفاسیر، دسته‌بندی تفاسیر همه پیرامون تفسیر متون مطرح می‌شوند و بحث‌های معرفت‌شناختی دقیق و ذی‌قیمتی هستند.

## ۵- تمییزپذیری

مسئله تمییزپذیری همانند فهم و تفسیر به متون اختصاص ندارد و در مورد چیزهای دیگر نیز به کار می‌رود. اما متن خصوصیات و ویژگی‌هایی خاص خود را دارد که ماهیت تمییز را در آن پیچیده و مشکل‌آفرین می‌سازد. مسایل گوناگونی در این بحث می‌گنجد که برخی از آنها عبارتند از: چگونه و از چه راهی تشخیص می‌دهیم که این شی خاص متن است؟ پاسخ این سؤال، تعیین شرایط لازم و کافی را می‌طلبد که تحت آن شرایط چیزی به عنوان متن شناخته می‌شود. سؤال دیگر این است که: ما چگونه معنای متن را یاد می‌گیریم؟ برای پاسخ دادن به این سؤال هم باید شرایط لازم و کافی که تحت آنها معنای متن را می‌آموزیم، تعیین کنیم. سؤال دیگری نیز مطرح می‌شود: ما چگونه می‌توانیم یقین داشته باشیم که به معنای متن دست یافته‌ایم؟ پاسخ دادن به این مسئله بسیار مهم است. ما در موارد مختلفی به علل گوناگونی از مباحث گذشته سنخ مباحث و مسایل معرفت‌شناسی متن روشن شده است. معرفت‌شناسی معاصر در کانون مباحث فلسفه تحلیلی قرار دارد و پیداست که سنخ مباحث فلاسفه‌ی تحلیلی معرفت‌شناختی است. ولی این امر موجب نگشته که معرفت‌شناسی متن در میان فلاسفه‌ی تحلیلی شکل رسمی و مدون به خود بگیرد. اگر خواننده در سخنان گذشته دقت لازم را مبذول کرده باشد بی‌درنگ این سؤال به ذهنش خطور می‌کند که چرا معرفت‌شناسی متن با اهمیت فوق‌العاده‌ای که دارد هنوز شکل رسمی و مدون به خود نگرفته است؟

در پاسخ به این پرسش توجه به کالج پژوهش [www.collegeprozeh.ir](http://www.collegeprozeh.ir) می‌نمایند. پیشینه‌ی فلسفه‌ی غرب، دیگر توجه به مصرف‌کنندگی معرفت‌شناسی متن و منابع تغذیه‌ی آن. فلسفه‌ی غرب همان طوری که خود خواننده با آن آشناست، نامی و عنوانی برای دو دسته‌ی متفاوت فلسفه‌ی تحلیلی و فلسفه‌ی قاره‌ای (۱۳) (برای / فلسفه بر اروپا) است. هر یک از این دو دسته زیرمجموعه‌هایی از فلسفه‌های مختلف را در برمی‌گیرند و به اصطلاح، میان آنها «تشابه خانوادگی» در کار است. در فلسفه‌ی قاره‌ای مجموعه‌ای از رویکردهای فلسفی مانند اگزیستانسیالیسم، مارکسیسم، پدیدارشناسی، هرمنوتیک، ساختارگرایی، پساساختارگرایی و غیره می‌گنجد. فلسفه تحلیلی، فلسفه‌ی غالب کشورهای انگلیسی زبان است و چنان که گفتیم در سنت فلسفه تحلیلی توجه روزافزونی به مباحث معرفت‌شناسی در کار است، اما در فلسفه‌ی قاره‌ای چندان توجهی به معرفت‌شناسی در کار نیست.

اگر هر یک از دو سنت فلسفه‌ی قاره‌ای و تحلیلی را به تنهایی در نظر بگیریم، عهده‌دار مباحث معرفت‌شناسی متن نیست و برای حل مسایل آن کافی نیست و برای بنا نهادن چنین معرفت‌شناسی باید از عناصر هر دو سنت کمک گرفت. شاید خواننده گمان کند که هرمنوتیک در واقع خلأ معرفت‌شناسی را در محدوده‌ی متن پر می‌کند ولی بنا به دلایلی که بعداً توضیح خواهیم داد، این گمان ریشه در برخی از گرایش‌های هرمنوتیکی دارد که معرفت‌شناسی مرسوم که محصول تلاش فلسفه‌ی تحلیلی در عصر حاضر است با علوم طبیعی تناسب دارد، ولی در علوم انسانی و نیز در بررسی متون راهگشا نیست. چرا که علوم انسانی و قلمرو متون زمینه‌ای کاملاً مستقل‌اند و معرفت‌شناسی خاص خود را می‌طلبند. هرمنوتیک رقیب معرفت‌شناسی مرسوم در زمینه‌ی علوم انسانی است. این مسأله به اصل: «دوگانگی علوم طبیعی و علوم فرهنگی» (۱۴) شهرت یافته است. این بحث را اولین بار نئوکانتی‌ها مطرح کرده‌اند و پیرامون آنها مناقشات و نزاع‌های بسیاری صورت گرفته است. هرمنوتیک به تنهایی کل خلأ معرفت‌شناسی متن را پر نمی‌کند و تنها یکی از منابع تغذیه آن است معرفت‌شناسی متن چاره‌ای جز این ندارد که به انبوهی از عناصر هر دو سنت فلسفه‌ی غرب رجوع کند و آنهایی را که با بحث او به طور مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباطند، بیرون کشیده با هم تلفیق کند. معرفت‌شناسی متن از عناصر هر دو سنت تغذیه می‌کند رشته‌هایی که معرفت‌شناسی متن از آنها تغذیه می‌کند عبارتند از:

۱- معرفت‌شناسی معاصر

۲- هرمنوتیک

۳- علم نشانه‌شناسی

۴- زبان‌شناسی و فلسفه‌ی زبان

### تقسیمات معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی رشته‌ای بسیار گسترده از فلسفه است و امروزه شاخه‌های بسیار متنوعی پیدا کرده است و معمولاً کمتر یک معرفت‌شناس در همه‌ی این شاخه‌ها به بحث می‌پردازد و تنها به یک یا چند شاخه‌ی محدودی می‌پردازد. این امر معلول گستردگی دامنه‌ی این رشته است. اما معرفت‌شناسی متن در تقسیمات و شاخه‌های فرعی معرفت‌شناسی چه جایگاهی را به خود اشتغال داده است؟

برای اینکه جایگاه معرفت‌شناسی روشن شود و اشاره‌ای اجمالی به تقسیمات معرفت‌شناسی لازم است. معرفت‌شناسی با معرفت سروکار دارد. این معرفت ممکن است معرفت خاصی و یا معرفتی عام باشد. از این رو، معرفت‌شناسی به معرفت‌شناسی عام و خاص تقسیم می‌شود.

## ۱- معرفت‌شناسی خاص:

معرفت‌شناسی که با معرفت خاص یا (با معرفت‌های خاص) یعنی معرفتی که با علوم خاص ارتباط دارد می‌پردازد. معرفت‌شناسی خاص است. مثلاً، شاخه‌ای از معرفت‌شناسی که به صرف معرفت فیزیکی می‌پردازد، معرفت‌شناسی خاص است. همچنین معرفت‌شناسی‌ای که به صرف معرفت منطقی (یا معرفت به منطق) می‌پردازد، یا به معرفت تجربی؛ معنی معرفت خاص از علوم تجربی می‌پردازد. این معرفت‌شناسی‌های خاص غالباً عناوین خاص دارند، مانند فلسفه‌ی فیزیک، فلسفه‌ی منطق، فلسفه علم و غیره. بخش اعظم این فلسفه‌های خاص مباحث معرفت‌شناسی است، هر چند مباحث روش‌شناختی و متافیزیکی هم در آنها به چشم می‌خورد، ولی نوعاً سنخ مباحث آنها معرفت‌شناختی است و دیگر مباحث در حدی نیستند که حجم بیشتر را به خود اختصاص داده باشند.

## ۲- معرفت‌شناسی عام:

این معرفت‌شناسی، در مقابل، با معرفت مورد نظر در علوم جزئی سروکار ندارد، بلکه مطلق معرفت را مورد بررسی قرار می‌دهد. معرفت‌شناسی عام هم به معرفت‌شناسی فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. (۱۵)

### ۲.۱ معرفت‌شناسی اجتماعی: (۱۶)

معرفت‌شناسی اجتماعی، معرفت‌شناسی مربوط به فاعل شناخت در زمینه و بافت اجتماع است. این معرفت‌شناسی شدیداً تحت تأثیر علوم اجتماعی است. معرفت‌شناسی مرسوم بیشتر به علوم طبیعی و نیز به ذهن فارغ از اجتماع مربوط می‌شود. در مقابل، معرفت‌شناسی اجتماعی، چنان که گفتیم، به علوم اجتماعی و به ذهن در زمینه و بافت اجتماع نظر می‌کند و می‌خواهد ببیند چنین ذهنی چگونه به معرفت می‌رسد. گاهی معرفت‌شناسی اجتماعی به معرفت‌شناسی ناظر به علوم اجتماعی گفته می‌شود که در این صورت جزو معرفت‌شناسی خاص می‌شود. (۱۷)

### ۲.۲: معرفت‌شناسی فردی:

در این معرفت‌شناسی فاعل شناخت فارغ از زمینه‌ی اجتماعی و تأثیرات عوامل اجتماعی در نظر گرفته می‌شود و سپس به تعریف معرفت این نوع فاعل و ساختار معرفت او و امکان چنین معرفتی و غیره می‌پردازد. معرفت‌شناسی فردی به معرفت‌شناسی غیرمتنی و معرفت‌شناسی متن تقسیم می‌شود.

### ۲.۲.۱ معرفت‌شناسی معاصر:

معرفت‌شناسی معاصر و یا معرفت‌شناسی سده بیستم به معرفتی می‌پردازد که نسبت به جهان خارج و اذهان دیگر و امور فیزیکی دارد. این معرفت‌شناسی همان معرفت‌شناسی غیرمتنی است. درباره‌ی این معرفت‌شناسی بعداً توضیح بیشتری خواهیم داد.

## ۲.۲.۲: معرفت‌شناسی متن:

این معرفت‌شناسی از معرفتی که به متن داریم؛ یعنی از فهم و تفسیر متن بحث می‌کند. معرفتی که به متن داریم غیر از معرفت به عالم خارج، اذهان دیگر و غیر از معرفت به اشیاء فیزیکی است. معرفت‌شناسی متن با معرفت‌شناسی خاص تفاوت دارد. زیرا در معرفت‌شناسی خاص با معرفت‌های خاص مربوط به علوم سروکار داریم اما معرفت به متن در علوم خاص نمی‌گنجد. هیچ یک از علوم خاص به معرفت به متن نمی‌پردازد. از این رو، در معرفت‌شناسی عام می‌گنجد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. رساله‌ی فایدروس از مجموعه رسائل افلاطون

2. Gadamer and Hermeneutics, Ed. by Hughj. Silverman, P.93, Rutledge, (1991).

۳. شبستری، شیخ محمود، گلشن راز، تصحیح دکتر صمد موحد، ص ۹۷، انتشارات کتابخانه‌ی طهوری (۱۳۶۸ ه. ش).

۴. این مثال از کتاب زیر نقل شده است:

Umberto Eco, The limits of interpretation, Indiana – university press (1990).

5. Logical coherence.

۶. این تقسیم‌بندی در کتاب زیر آمده است:

Gracia J.E. Jorge, A Theory of textuality, pp.xxii – xxv, state university press, (1995).

7. Intension.

8- The Logic of the text

9- The Epistemology of the text

۱۰- برخی از فلاسفه‌ی تحلیلی مانند کواین وجود intension را قبول ندارند. نگاه کنید به:

Quine, W. V. O, Word and object, pp 191- 226, 1965, the M.L.T Press, U.S.A

11- Ibid, pp. xxv- xxvii

12- Interpretation

13- Continental Philosophy

14- The dualism of the natural and cultural sciences

15- Social epistemology

۱۶- تقسیم معرفت‌شناسی به معرفت‌شناسی فردی و اجتماعی در کتاب زیر آمده است:

Glodman Alvin I., Epistemology and Cognition, pp. 1-3, Harvard College, U.S.A (1993

۱۷- درباره‌ی معرفت‌شناسی اجتماعی به دو کتاب زیر نگاه کنید:

Fullery Steve, Social epistemology, Indiana University press (1988)

A Companion to Epistemology, ed, by Jonathan Dancy & Ernest Sasa, pp. 479- 483, Blackwell (1192)